

افغان مینى مارکیت عرضه ککنده انواع مواد خوراکه وطنی

یگانه مغازه افغانی در منطقه واشنگتن بزرگ
که تازه ترین موادخوراکی، میوه های فصل، نان های تازه وطنی، روت ها، میوه های خشک تازه وارد از افغانستان، وگوشت های تازه مرغ، بره، گوسفند، گوساله و گاو را با بهای مناسب تقدیم می کند

6566 Backlick Rd.Springfield. VA 22150
Tel:703-644-0186 Cell:703-499-3313

داکتر غلام محمد دستگیر بروفیلد ، کلورادو

درسی از روز سیاه شش جنوری ۲۰۲۱ در اضلاع متحده برای رئیس جمهور. طالب. پارلمان و مردم افغانستان

برحسب قانون امریکا انتخابات رئیس جمهورمراحل مختلف دارد. در مرحلهٔ اول، انتخاب یکنفر ازجملهٔ کاندیدهای متعددحزب های جمهوريوخواه و دموکرات میباشد که باید درهرایالت رای داده شود، این مرحله «انتخابات اولیه یا پرایمری»نام دارد که دراخیر یک کاندید ازجمهوريوخاهان و یک کاندیدهم از دموکراتها برای انتخاب رئیس جمهورمعرفی می گردد. در مرحلهٔ دوم، این دونفر برای جلب رای سرتاسری مردم به مبارزهٔ انتخاباتی پرداخته پلانهای خود را عرضه میدارند. به روز موعود مردم به طرق مختلف (شخصاً، ازطریق پوسته درداخل یاازخارج امریکا) رای های خود را به مراکز انتخاباتی شهرخودتقدیم میکنندبامیفرستند. رایها ازطریق الکترونیک محاسبه شده درهر ایالت برنده باتعداد الکترو کالج آن بلادرنگ دراختیار تلویزیونها و رسانه گذاشته میشود. کسیکه موفق به اکثریت رای نشده به برندهٔ انتخابات موفقیت اوراتبریک گفته مراحل انتقال قدرت صلح آمیزو باامن را به رئیس جمهور جدید وعده میدهد. درمرحلهٔ سوم، هرایالت یک هیأت انتخابانی که «الکترو کالج» نام داده اند بازرای خودرا به کاندید ها تقدیم میدارند وکسیکه ۲۷۰ رای از این گروپ نصیب شد، تأیید موفقیتش اعلام می گردد. مرحلهٔ چهارم، که درحقیقت یک فورمالیتی است برندهٔ انتخابات دریک مجلس مشترک سناونمایندگان به ریاست معاون رئیس جمهور وقت همراه بارهبر دموکرات ها از سناتور ها و نمایندگان حاضر، رای تأیید میگيرند. انتخابات سال ۲۰۲۰ اضلاع متحده یکی ازشفافترین و صادقانه ترین خالی ازهرنوع تقلب بود. جمهوريوخاهان مسؤول باوجود فشار وتهدید ترمپ نتایج انتخابات را قسمی که مردم برای جوابیدن و معاونش کاملاً هریس یا کامله حارث رای داده بودند اعلان کرده اند. ترمپ انتخابات رابارها درزیده ومتقلب اعلام داشته سفیدپوستان تفوق طلب خودرامتهیج میساخت. موفقیت رئیس جمهور و معاون رئیس جمهور منتخب رانپذیرفت. اعتراضات متعدد به سیستم قانونی وقضایی مملکت ثبت نمودتانتایج انتخابات رادرایالاتی که درسال ۲۰۱۶ برده بود وحال برایش رای ندادند، ردنمایند؛ گفته شده که حدود ۶۰ بار به شمول Supreme Court اقامهٔ دعواکردولی درهمه مقامابه هدف نرسید وناکام شد. یعنی! به جز ترمپ و باندش دیگر همه مراجع قانونی جمهوری خواهان و دموکرات ها انتخابات سال ۲۰۲۰ را شفاف و صادقانه پذیرفته بودند.

ترمپ چهل وپنجمین رئیس جمهور امریکا، شخصی فاشیست مزاج وتفوق طلب سفیدپوستی است که جزگروپ معدودمثل خودش، نزد عوام مخصوصاً آنهایی که دراقلیت اند و جلد پوست رنگه دارند منفور بوده یک مرد دروغگوی، شرانداز، نفرقه انداز، فریبکار که فقط برای دوام قدرت خود میکوشد، شناخته شده است. چنین برمیآید، که او این احساس مردم رادرک کرده بودوطی سال های ریاست جمهوری خود پیامهای دروغین وافراطی برای طرفداران تفوق طلب سفیدپوستان خویش تویت میکردتاآنها به هیجان آمده غرورتفوق طلبی و پترویت یا Patriot بودن شان به شورییابد. باطمطراق خاص می گفت: من ۸۰ جنرال رامیشناسم که مردمان خوب و وطندوست هستند. بودجهٔ دفاعی رابسیار بالا برد، تادر «روزمبادا» به کمکش قدعلم نمایند که بیش ازواهیات چیزدیگرنبود. اعضای جمهوريوخواه کانگرس را که طرفدارش بودند تعریف و انهاییکه به دروغ هایش باورنداشت هجو وبدگویی وتهدیدانتخاب نشدن دو باره، جفنگ گویی سرمی داد. ترمپ مغرورانه میگفت: بهترین رئیس جمهور تطبیق قانون یا Law enforcementاست تاپلیس روزی ازااعمال غیر قانونی و ضددموکراسی وی از او پشتیبانی نمایند؛ پرواز این تخیل مرموز وی هم سرنگون گشت. سه نفرقضات فضیلمتآب در«سوپریم کورت» که گفته بود درانتخابات ماراکمک میکنند هم ازچوکات قانون ودایرهٔ مسؤولیت وجدانی خودپا فرا نگذاشتند؛ وچون از

بنام خدا

امید

در امریکانه

\$1.50

شمارهٔ دهم / سال بیست و نهم / اول دلو ۱۳۹۹ / ۲۱ جنوری ۲۰۲۱ / شمارهٔ مسلسل ۱۰۷۸

منسوخ شد مروت و معدوم شد وفا	وز هر دو نام ماند چو سیمرغ و کیمیا
شد راستی خیانت و شد زیرکی سفه	شد دوستی عداوت
مردمی جفا	و شد

ضایعهٔ بزرگ علمی و فرهنگی

با درد وافسوس فراوان، یکی ازاساتید مجرب دانشکدهٔ تعلیم وتربیهٔ کابل، ویکی همکاران ارزنده ودانشمند جریدهٔ امید، شادروان استادامیرمحمدکیفی، دراثربیماری طولانی سرطان، سحرگاه روز شنبه نهم ماه جنوری ۲۰۲۱ درشهرانتیاک شمال کالیفورنیا به رحمت حق پیوست، انالله و اناالیه راجعون . استادکیفی باآنکه شش سال به مرض جانسوزسرطان بسر برد، اما هرگز از فعالیت ذهنی باز نماند، به ویژه درسال های اخیر حیات پربارش درهرشمارهٔ امید مقالهٔ آگاهی دهنده نوشت . دو مقالهٔ جناب ایشان که دوهفته پیش ویک هفته پیش از رحلت به امید ارسال کردند، شاهد این مدعاست . مقالهٔ اولی در همین شماره و مقالهٔ آخرین انشاءالله درشمارهٔ بعدی به نظرخوانندگان ارجمند رسانیده می شود .

استادمرحوم کیفی دو فرزند جوان به نام های کبرا جان و حبیب جان را به جاگذاشته اند.

ازبارگاه حضرت حق استدعای کنیم تاروان مبارکش رادر ذیل رحمت خویش دربهشت برین بدارد، و به فرزندان عزیزش وهمهٔ وابستگان، دانشگاهیان ومطبوعاتیان کشور اجر و صبر فراوان عطا بدارد.
آمین – اداره /

مقامات قانونی وقضایی مملکت بهره های غیرقانونی برداشته نتوانست دست به تحریک شورش و بغاوت زد .

روز شش جنوری، روزی که به ریاست معاونش مایک پنس کانگرس جلسه میداد و انتخاب جو بایدن و معاونش کامله حارث را تأیید میکرد در صحن قصرسفید به پیروانش بالحن خشن هدایت داد که انتخابات تقلبی بود و موفقیتش را دموکراتها ربوده اند، بروید راستی رابرملاکنیدو امریکا رابزرگ سازید که رسانه هابه آن اسم MAGA Movementداده اند. علوتاً پسرارشدهش وقانوندان شخصی اش بایک عضوجمهوريوخواه پارلمان هم به همان ططراق ترمپ طرفداران راتشویق میکردندتباسوی عمارت پارلمان راهپایمی نموده حمله بیرندو انهایی را که خاین میدانستند پایان بیاورندو «کون شانرابگیرند» یعنی اخطاف نموده ودرقید گیرند. به اساس همین هدایت بود که یک افسر متقاعد یک بسته «تسمه اولچک های پلاستیکی» در کمر داشت.

طرفدارانش بگفته های لیدرخودلبیک گفته بلاتأمل بسوی عمارت پارلمان که به نام «کاپیتل» یادمیشود بابیرقهاو کلاههای سرخ طرفداری ترمپ، بیرق زمان جنگ داخلی کنفدریت، گروپ پرودبایز، کیونان ونیونازی ها برکاپیتل حمله بردند، به تخریبات وچوروچپاول آغاز کردند؛ کسی پودیمی که «ناسی پلوسی» عقب آن می ایستادوسخنهای خودبه مردم ورسانه میرسانید بردوش گرفت، باغی دیگربردفتر پلوسی رئیس مجلس نمایندگان که یک دموکرات مجرب و مردم دوست است تجاوز نمود وبرکرسی اش تکیه زد وپاهابرسر میزش باسخنان رکیک و روشهای نامناسب گذاشت. ضمناً، لفافه ودیگر ملکیتهای شخصی خانم پلوسی رابا خودبرداشت. اوراق دفتری وبه یقین رسمی در روی فرش دفترش پاشان بود. کسی دیگر به دفترکانگرسمن کارولینای جنوبی جیم کلیرن یک نماینده ارشد دموکراتهاکه دفترخصوصی اش بود بورش برده درب راشکسته و تابلیت کمپیوتری اش را دزدید. قواره ای دیگر باشاخها ورنگ نمودن روی بارنگهای سفیدوسرخ وآبی و نیزه دراز در دست دیوانه واراینسو وآنسوراه میرفت تاکه به داخل تالار رسید و برمسند رؤسای مجلس تکیه زدوبه گفتاروحركات خود باهم قطاران مشغول بود وبه پلیس گوش نمی داد. وکیل پارلمان ایالتی ویرجینای غربی هم درمیان باغیان به طرفداری لیدر خود ترمپ قدم رنجه فرموده بود !

گروهی درشکستن شیشهٔ دروازهٔ درآمد مشغول بودکه بافیرپلیس برای دفاع از خانهٔ مردم امریکا روبروشد وجان داد. مقتول خانم جوان افسر سابق قوای هوایی بود. جمعی هم یک

شمارهٔ ۱۰۲۸

تاریخچهٔ طبابت درافغانستان

جلد اول و دوم این کتاب تاریخچه شامل ایام زرتشت تا سال های معاصر را با خاطرات دوران محصلی درفاکولته طب دربر دارد، اثر داکترغلام محمددستگیرتازه چاپ شده، علاقمندان ودوستان کتاب غرض دسترسی به ان به نشانی های ذیل تماس حاصل نمایند.

اروپا به شماره ۰۶۴۴۴۴۰۶۰

امریکا به ایمیل ادرس

dastageer2008@hotmail.com

لندن ۰۷۸۱۴۳۲۶۴۷۴

ضایعهٔ بزرگ هنری و فرهنگی

حمیده اصیل معروف به خانم «رخشانه» یکی از نخستین خوانندگان زن در افغانستان در ۸۰ سالگی درگذشته است.خانوادهٔ شادروان استاد شاه‌ولی ترانه‌ساز، از آوازخوانان و موسیقی‌دانان پیش‌کسوت که از نزدیکان خانم رخشانه درامریکا بوده‌اند، با انتشار عکس‌هایی از او نوشته‌اند که وی یکشنبه‌شب (۳۰ قوس/ آذر) درگذشته است.

خانم رخشانه یکی از محبوب‌ترین و مشهورترین خواننده های افغانستان در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ کشور بود. او همچنین از نخستین زنانی بود که چادری رادور انداخت و در برنامه‌های فرهنگی بدون حجاب حضور یافت.

خانم رخشانه متولد کابل، فرزند اصیل خان وزیری، یک جنرال چهار ستارهٔ ارتش افغانستان ومتعلق به خانوادهٔ درجنوب کشور بود که روی آوردن او به موسیقی نوعی از تابوشکنی محسوب می‌شد. از او آهنگ‌های زیادی به زبان‌های فارسی و پشتو به جا مانده است.وی از چهل سال قبل به این طرف با خانواده‌اش در امریکا زندگی می‌کرد. رخشانه پس ازمهاجرت انزوا اختیارکرد و به کار موسیقی ادامه نداد.

اولین آهنگ رخشانه در رادیو کابل آهنگ «ای دلستانم، آرام جانم، بشنو دمی آه و فغانم» بود. رخشانه، بعداً آهنگ «چشم سیاه داری قربانت شوم من» راخواند که این آهنگ نه تنها در افغانستان، بلکه در ایران و تاجیکستان نیز معروف شد. پس از او احمد ظاهر این آهنگ را خواند.

اداره : روان هنرمند ارزندهٔ کشور بانو رخشانه شاد و یادش گرامی باد !

کلکین را شکستند و داخل عمارت شدند اینکه به کجای عمارت داخل شدند مطلع نیستم. جمعی از شورشیان و باغیان برپلیس حمله بردند و بر آنها «سامان وزمین خموشی آتش» پرتاب کردند. متأسفاته، پرتاب کننده خودش یک افسرمتقاعد اطفائیه بود که به وسیلهٔ خموشی آتش که جزء مسلکش بود احترام نداشت.

این رویدادوماجرای باغیان وتروریستهای داخلی امریکا تقریباً شش ساعت باتخریبات وشعارها وصداهادوام داشت وبرای قتل مایک پنس شعارمیدادند Hang Mike Penceیا مای پنس را به دار بیاویزید! فقط ۱۶ ثانیه وکمتر از ۱۰۰ فت مانده بود که دختر و خانم معاون رئیس جمهورپنس رئیس مجلس تأیید انتخابات، به دام شان بیافتد. یک پلیس مسلکی ومجرب دهشت گران باغی راه به صوب مخالف چمبر سنا ازپی خود روان داشت، پلیس های وظیفه شناس دیگر بابه تاخیر انداختن یورش شورشیان باغی به اعضای کانگرس وقت دادند تابه سرعت تالار راتخلیه نمایند. ولی بکتعداد پلیسهای هم بود که درب رابرایشان بازنموده باآنها عکس یادگاری گرفتند. روی اینکه تعداد پلیس کم بود وپلیس کاپیتل درامنیت ووظیفه موفق نبودچیف پلیس برطرف و پلیس های مشکوک تحت استحواب FBIقرار گرفته اند.

به مجردخبرفعال شدن تروریستهاتوسط ترمپ محافظین داخل تالار همه اعضای کانگرس رادرمحل محفوظ نقل دادند؛این نبودن سناتورها ونمایندگان سبب تعجب تهاجمگران شدوصدا زدند:« اینها کجاهستند؟!». اماالکسندریا وکاسیو کورتیزکه به AOC معروف است ونمایندهٔ ناحیهٔ ۱۴ نیویارک بوده همیشه بی پرده مشکلات مردم خودرابافصاحت تام بیان میکردو جمهوری خواهان و بعضی دموکراتها به وی به نظرقدرنمی نگزند، در روزشنبه ۱۶ جنوری در CNNادعاکرد که وی راهب محل محفوظ نبرده بودند. صحنه های دلخراش وکلا وسناتوران که خود را تا فعالیت (صفحهٔ

رحیم شنسب دالاس ، تکزاس

آغاز مبارک و انجام مبارک

اتمام سال ۲۰۲۰ و آغاز سال ۲۰۲۱بشما مبارک

سعد و نحس ایام :

از نظر عقل محال نیست که اجزاء زمان با یکدیگر تفاوت داشته باشند، بعضی دارای ویژگیهای نحوست و بعضی ویژگیهای ضدآنها داراست ولی این را هم می گویند: هیچ سال نوی ایدآل نخواهد بود مگر این که شما خود تصمیم بگیرید ، آنرا به بازتابی از ارزش ها، خواسته ها، علاقه ها و قوانین خود تبدیل کنید،آیا در ماهیت سعد و نحس ایام تصمیم و خواست ما رول دارد؟ بیائید اگر تصمیم ما دخیل نیست پس آرزومندی و دعا را فراموش نکنیم ، دوستان سال ۲۰۲۱ مبارک

My wishes for you great start for Jan Love for Feb, peace for March No worries for April, fun for May Joy for June to Nov, happiness for Dec Have a lucky and wonderful 2021

آرزوی من برای تو

آغازی باشکوه در جنوری

عشق در فروری، صلح و آرامش در مارچ

نداشتن نگرانی و دغدغه در اپریل

خوشبختی در می

شادی در جون تا نوامبر

و مسرت و خوشحالی در دسامبر میباشد

۲۰۲۱ پر از شانس و موفقیت برای شما آرزومندم

تقویم میلادی از آن جهت اهمیت جهانی دارد که سیاست، اقتصاد،وقایع و تقریباً همه مسائل زندگی امروز با آن وابسته و محاسبه می شود ، برخلاف تقویم شمسی،تقویم قمری،تقویم هندو، تقویم کره ای، تقویم بودایی،تقویم قبطی،تقویم بربری،تقویم عبری، تقویم ارمنی،تقویم کردی که همه گاه شماری محلی و منطقویست و صبغهء جهانی ندارند .

تقویم میلادی توسط آلویسیوس لیلیوس از اهالی ناپل بر گرفته از تقویم ژولینی تنظیم و بعد از تفاوت محاسبهء سالهای کیسه طرف پزیرش پاپ گریگوری قرار گرفت و بنام (تقویم گریگوری) معروف شد ، اختراع تقویم توسط انسانها ۵۳۰۰ سال قدامت دارد ، کنون تقویم میلادی یک گاه شماری بین المللی است، بنأ از گذشت و بسر رسیدن سال ۲۰۲۰ باید ابراز شکر کنیم خوان به یغمابرده آن ناخوانده مهمان می رود

آن نمک شناس بشکسته نمکدان می رود مجله معروف امریکایی «تایم»،این هفته تحلیل خود را در مورد سال ۲۰۲۰،منتشر کرد. «سال ۲۰۲۰ بدترین سال تاریخ»،جمله‌ای بود که روی صفحه اول مجله تایم منتشر شد و علامهء چلیپای سرخی روی ۲۰۲۰ نقش بست. ستون‌نویس مجله تایم ،سال ۲۰۲۰ را وحشتناک‌ترین سالی دانست که انسان تاکنون شناخته است. درگیری‌های گسترده، بحران‌های بهداشتی، اقتصادی،اجتماعی در ایالات متحده و کل جهان طی ماه‌های اخیر دلایلی بودند که وی این جمله را برای سال ۲۰۲۰ برگزید.

«تاریخ جهان، سال‌های بدتر از این نیز مانند سال‌های جنگ‌های جهانی و رکود بزرگ اقتصادی، به خود دیده‌اند، ؛اما بیشتر افرادی که امروز زنده‌اند، هرگز چیزی شبیه به امسال را در زندگی خود تجربه نکرده‌اند.»

در تحلیل نشریه تایم آمده است: «ما برای مواجهه با چنین چیزی هیچ تمرینی نداشتیم. برای مواجهه با وقوع بلایای طبیعی که نتیجه خیانت‌های ما به طبیعت است، ویروسی تبارز کرد تا زندگی تمام افراد کره زمین را تحت تاثیر قرار دهد و به حیات حدود تقریباً یک میلیون هشتصد هزارنفر در جهان خاتمه دهد.»

نشریه تایم در تویییتی نوشت: «۲۰۲۰ ما را بیش از حد مورد آزمایش قرار داد؛ بعد از این سال افتضاح به کجا خواهیم رفت.»

زندگی همیشه یک سپیده‌دم زیبا نیست،گاهی اوقات شما باید ساعت‌های تاریکی را بگذرانید قبل از اینکه آفتاب بخواهد طلوع کند.

مهمترین وقایع بد در این سال عبارت بودند از :

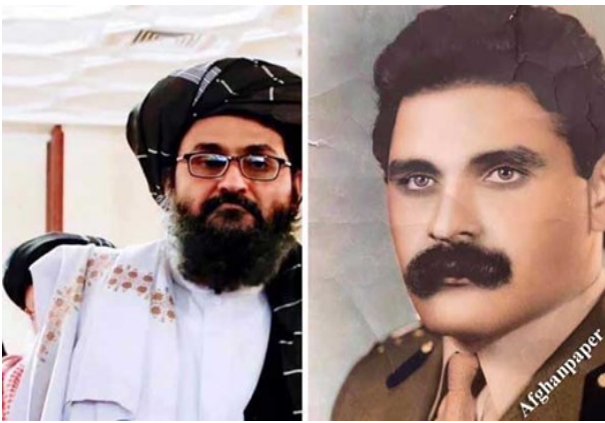
امیرمحمدکیفی سابق استاددانشکدهٔ تعلیم و تربیهٔ کابل

چرا ملا عبدالغنی برادر !؟

اداره: همکارعزیزالقدرجریدهٔ امید، شادروان امیرمحمد

کیفی، دوهفته پیش ازوفاتش مقالهٔ ذیل رافرساده بود وهفتهٔ بعدش مقالهٔ دیگرباعنوان «غنی انتقام می‌گیرد»، که درشمارهٔ بعدی به نشرخواهدرسید . روان پاک ایشان را در ذیل مراسم الهی (ج) شاد می‌خواهیم .

ملاعبدالغنی برادر که به ملابرادر آخوند مشهوراست، درسال ۱۹۶۸م در دeraود ولایت ارزگان به دنیاآمده، ازقبیلۀ درانی پشتون پوپلزایی می باشد. گفته میشود که ملابرادرآخوند باملامحمد کور، اولین امیرالمؤمنین افغانستان باجه است، یعنی خانم های ملا برادر وملاعمر خواهران اند. علاوه برآن ملا برادر درتاسیس و تشکیل گروه طالبان باملاعمر کور نقش سازنده



داشت .

درجوانی «خلقی بابا» رفیق برادر– در پیروی«مشربابا» ملا برادر ملابرادرآخوند درماه فروری ۲۰۱۰ ازطرف سی آی ای به همکاری آی اس آی پاکستان درشهرکراچی دستگیر ودراکتوبر ۲۰۱۸ به تقاضای امریکا از حبس رها گردید. ملاعبدالغنی برادر در زمان حکومت ناکبارطالبان، والی هرات ونیمروزبود. نقش ملابرادر درتشکیل گروه طالبان ورهبری آن بیش از دیگران هویدا وروشن

۱– مرگ جورج فلوید، ۲– آتش‌سوزی‌های آسترالیا. ۳– بالا گرفتن تنش بین ایران و امریکا، ۴– انتخابات بلاروس، ۵– کناره‌گیری نکردن صدراعظم تایلند، ۶– درگیری‌های جدید در قفقاز، ۷– سرکوب اعتراضات هنگ کنگ، ۸– مرگ غیرمنتظره افرادمشهور، ۹– انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۰ امریکا، بدترین رئیس جمهور درتاریخ امریکا، ۱۰– کووید-۱۹ ، ۱۱– نحس ترین توافقنامهء بین امریکا و طالبان ، ۱۲– بالاترین ارقام کشتار ،قتل ، راکت، انفجار و انتحار در افغانستان و واقعات متعدد دیگری که سال ۲۰۲۰ را می‌توان از جهاتی به عنوان بدترین سال هزاره جدید نام برد.

در مورد قتل و کشتارها، به خاک و خون کشیده شدن هزاران افغان، بهترین جوانان ژورنالست ،آتش و راکت و غربت وفقر مرض و مصایب افغانستان بدست طالبان و فساد فساد پیشگان و بدترین حکومت فاسد در تاریخ امروزی افغانستان ،ووو هرچه بنگاریم کم است ، وقصهء ناتمام .

بیائید امید را از دست ندهیم و بگویم سال ۲۰۲۱ به همه مبارک و برای تسکین خاطر و تغیر این مباحث ، برویم به خوانش غزلی از جناب مستطاب بیدل صاحب دل .

امروز نو بهار است ساغر کشان بیائید

گل جوش باده دارد تا گلستان بیائید

در باغ بی بهاریم سیری که در چه داریم

گلپاز انتظاریم بازی کنان بیائید

آغوش آرزو ها از خود تهیست اینسجا

در قالب تمنا خوشتر ز جان بیائید

جز شوق راهبر نیست اندیشهءخطر نیست

خاری درین گذر نیست دامن کشان بیائید

فرصت شرر نقابست هنگامه ای شتابست

گل پای در رکابست مطلق عنان بیائید

گر خواهش فضولیت جز وهم مانعش کیست

باغست خانه یی نیست تا میهمان بیائید

امروز آمدن ها چندین بهار دارد

فردا کراست امید تا خودچه سان بیائید

ای طالبان عشرت دیگر کجاست فرصت

مفت است فیض صحبت گر این زمان بیائید

بیدل بهر تب و تاب ممنون التفاتیت

نا مهربان بیائید یا مهربان بیائید

در مورد نحوست سال ۲۰۲۰ و انکیزه برای خوش میمنت شمردن سال نو ، مطالب گفتنی بسیار است ولی دوستان مطالب را از ملاحظهٔ شرح بالا استنباط فرمایند. دالاس، اول جنوری ۲۰۲۱ ./

است.

یک منبع غیررسمی امریکا گفته ملابرادر حیثیت رئیس ارکان اردوی طالبان (لوی درستیز) رادارد. اما منابع متروپول (پلیس بین المللی) اظهار کرده که ملابرادرمعاون وزیردفاع طالبان بود.

یک خبرنگارهالندی درهنگام حملهٔ امریکابرافغانستان درزمان بوش(پسر) حدودیست سال قبل دریک مقالهٔ خودگفته بودکه «ملابرادروزیردفاع طالبان بود»، ازطرف سیا دستگیر و متعاقب آن پاکستان تقاضای رهایی اش رامی نمایدکه ازطرف امریکا تمکین میشود واورا آزادمی نماید.

علت آزادی فوری ملابرادر رابه ارتباط به همکاری وی درنجات حامدکرزی که درکوههای ارزگان درمحاصرهٔ طالبان قراردادداشت وسی آی ای کوشش داشت که اوراز محاصرهٔ طالبان نجات دهد، میدانند، لذا همکاری ملابرادر باعث نجات کرزی میشود.

اینکه چطور وجگونه برای نجات کرزی ممدثابت شد، برای من معلوم نیست .شاید ملابرادر بحیث ایجت پاکستان و سیا درنجات کرزی نقش داشته است.

او به حیث طالبان متعصب پشتون تمام پرنسیب های طالبانی را زیر پا می گذارد و یک صد و هشتاد درجه تغییرمسیر می دهد و به مفاد سی آی ای وای اس آی درنجات کرزی نقش بازی می کند .

بهرصورت آزادی ملابرادر درسال ۲۰۱۸ ازطرف پاکستان صورت گرفت ومتعاقب آن برایش صلاحیت داده میشودکه بحیث معاون دفترسیاسی طالبان در دوحه با امریکاواردمذاکره شود .

در نتیجه نامبرده بامریکا قرارداد امنیتی را به تاریخ۲۹ فروری ۲۰۲۰ امضاکرد. خلیلزاد گفت که آزادی ملابرادرازطرف امریکا تقاضاشد و پاکستان لیبک گفت .

ازجانب دیگریک عده زیادی ازطالبان که درقیدامریکا یاپاکستان بودند از بند رها وفعلا در کابل وپاکستان زندگی دارند، چه نقشی رادریاست طالبان به ارتباط جنگ وصلح بازی خواهند کرد معلوم نیست.

بطورمثال وکیل احمد متوکل وزیرخارجۀ طالبان، ملاضعیف سفیرطالبان درپاکستان، ملاخیرالله خیر خواه، ملاعبدالحق، نورالله نوری فعلا درپاکستان زندگی دارند.

ملاعبدالرحمن زاهد معاون وزیرخارجۀ طالبان وعضوشورای کویته درپاکستان زندگی دارد، درسال ۲۰۱۰دستگیر وبعد ها رهاگردید. ملامحمدحسن آخوند معاون شورای وزیران طالبان درفبروری ۲۰۱۰دستگیرشد وفعلا آزاد هست .

همچنان محمدنبی عمری وزیرمخابرات طالبان،ملاعبدالرزاق وزیرعدلیه، ملا خاکسارآخوند معین وزارت داخله، قاری احمدالله وزیرامنیت ملی طالبان درسال ۲۰۱۰ازحبس امریکا رهاشدند، ملا نورالدین ترابی وزیرعدلیه درکویته ازطرف سی آی ای دستگیر و در سال ۲۰۰۲ موردعفو عمومی قرارگرفت وفعلا درصوبۀ سرحد حیات بسر می برد.

امیرخان متقی وزیراطلاعات وفرهنگ در سال ۲۰۰۱ ازافغانستان فرار ودرصوبۀ سرحد زندگی می کند. ملاعباس آخوند در سال ۲۰۰۲ از ولایت ارزگان گریخت وفعلادرصوبۀ سرحد زندگی دارد. مولوی عبدالرقيب معاون شورای وزیران طالبان فعلا لادرک است اما گفته می شودکه زنده بوده و در وزیرستان مسکن دارد .

سؤال این است که ازجملهٔ اشخاص کلیدی فوق چراملا برادر انتخاب واز طرف طالبان وبه نمایندگی آنان با امریکامذاکره کند؟ وقرارداد امنیتی امضا نماید؟ وپاکستان ازملا برادر حمایهٔ همه جانبه کند واورابحیث معاون سیاسی دفتر طالبان در دوحه معرفی نماید !؟ پس معلوم است که ملا برادر ایجت مورد اطمینان پاکستان و امریکا می باشد .

اکنون ملا برادر درپاکستان مصروف دید وبازدید تعارفی است. میگویند که ملابرادرازخمی های جنگ درافغانستان که درشهرکراچی تحت تداوی اند دیدار کرده وبرای شان دعا نموده است که هرچه زودتراعادهٔ صحت شوند وبرای گرم نگهداشتن سنگرهای جنگ به میدانهای نبرد بروند. ا

مااین حرف جزپوشش ماموریت اصلی اش که عبارت ازسفارشهاوبرنامه های تخریبی آی اس آی دیگرچیزی نیست، میباشد.

هدف آی اس آی ادامهٔ جنگهای نیابتی به مفادپاکستان، این دانهٔ سرطانی جنوب شرق آسیا چیز دیگری نیست. پاکستان همیشه ازپشتون های بیغیرت متعصب وقوم گرا درمقابل مردم شریف افغانستان استفادهٔ ابزاری کرده و می کند.

ملابرادر هم یکی از زمرهٔ همین بی غیرتان متعصب است که آلهٔ دست پاکستان برای تخریب وطن وهموطنانش بکارگرفته شده است ! / .

انجنیر عبدالصبور فروزان استادیونیورستی نیوجرسی **چهرهٔ جامعه در عهدسلطنت محمدظاهر شاه** (به ادامهٔ گذشته)

فساداداری دردورهٔ سلطنت محمدظاهرشاه، دردواپرو دفاتر دولتی به اندازهٔ بود که مقامات دولتی به اساس معیاری که (خورد و بُرد) یادمیشد، خرید و فروش میشدند. هیچ وزارتی نبود که در آن رشوت و رشوت ستانی مروج نمی بود. این وضعیت درطول حکمرانی سردار داؤودنیز جریان داشت.

وقتی ازدانشگاه فارغ شدم، باعدهٔ ازهمصنفی هایم در تفحصات نفت و گاز شبرغان مربوط وزارت معادن وصنایع، بحیث انجنیرمقررشدیم . درآنجاسه نفر توجه مراجلب کرد، یکی انجنیر فهیم آمرعمومی تفحصات که ازپشتوزبانهای مشرقی بود، دیگر انجنیریعقوب زاده وسوم انجنیرسیدآقا. فهیم شخصی بود تر وتازه، همیشه لباسهای شیک میپوشید، صاحب خانه وجایدادفراوان وآرگاه و بارگاه زیادبود، ودرتفحصات کسی نبودکه ازخورد و بُرد اوخبر نداشته باشد، ولی هیچکسی درموردآن پرس وپال نمیکرد. یعقوب زاده ازسرپل بودو سید آقا ازکوهستان. آنهاسالهای درازی درمنطقه باصداقت وامانتداری کارکرده بودند. هردو سروروی پت وپربشان داشتندوبایی سروسامانی روزگار، بی خانگی ومشکلات اقتصادی دست وگریبان بودند، امادرمهارت وکاردانی ممتازهمه بودندوفهیم ازدیدگاه مسلکی نزدایشان بسیارخُردی میکرد.مشاورین روسی که تعدادشان مانند زاغ وزنبورفراوان بود، فهیم رابسیاردوست داشتند ولی ازانجنیریعقوب زاده وانجنیرسیدآقا بدمیبردند. ماکه تازه آمده بودیم این وضعیت برای ماخوشایند نبود، بخصوص وقتی مادیدیم که اختلاس، رشوه وغبن دریبت المال درپیش چشمان ماصورت میگرفت، کم کم سروصداهارا بلندکردیم که سبب نگرانی شدید انجنیرفهیم ومشاورین روسی شد.دیری نگذشت که مارا تبت وپرک کردندوبه مناطق دوردست فرستادند. کسی رابه قشقری، کسی رادر بلندغور، کسی رادریمت تاق کسی رابه میمنه ومراه سرپل روان کردندتامورساحوی آنرا سرپرستی کنیم. اختلاس و خوردوبرد درآتجا نیزسرایت کرده بود. اختلاس تیل،روغنیات ومصارف برمه کاری دربین کار گران وکارکنان معمول بودوهر کس هرقدرمیتوانست مخفیانه باخودمی برد.

اولین کاری که کردم راه این خوردوبرد رابستم. طی یکی دوماه کارها منظم شدوجلوخوردوبرد گرفته شد، اما درمقابل احساس میشد که کارگران و کارمندان ازموجودیت من درآنجا راضی نبودند وروزبروز این نارضایتی وضاحت مییافت وتاسرحدی رسیدکه آهسته آهسته سبب ایجادمشکلات در کارهاشد، یکروزیک مشکل وروزدیگرمشکل دیگر.رفته رفته مشکلات به اندازهٔ زیادشده که نزدیک بود اموربرمه کاریها درآن ساحه توقف نماید، ومن شب و روز تلاش می کردم تا این کار نشود .

یک شب دراتاق خودنشسته بودم وچُرَت میزدم که چارهٔ مشکلات راچطور بایدکرد که دروازهٔ اتاق زده شد، وقتی آنراباز کردم دیدم که سیدباد گردیزی است. بعداز احوالپرسی جای برایش آوردم وصحبت ازاین مشکل وآن مشکل ساحهٔ برمه کاری آغاز شد. سید باد شخص پرهیزکار وزحمتکشی بودومرا بسیاراحترام می کردوتقریباً باهم دوست ورفیق شده بودیم .ضمن صحبت ها سید باد گفت انجنیرصاحب مه آمدمیم که کتت یک مشوره کنم، از روزی که توآمدی جلوخوردوبرد روغنیات وتیله گرفتی، مگرمردم ازتو ناراضس، بمی خاطرمشکلات ده برمه کاریهاز یادشده میره، اگه به ای قسم ادامه بتی همه برمه هالیستاده میشه وتو بدنام میشی ! گفتم سیدباد جان مقصدت چیست؟ گفت مقصدم ایس که ای کارگرای بیچاره معاش بسیارکم دارن، هرکدام شاه آل وعیال وفرزند دارن که به معاش پوره کده نمیتانن، پیش ازتو اینا هرکس یک یک گیلن تیله پنهان میبردن وده بازارمیفروختن وچارهٔ زندگی شانه می کدن اما ازروزی که توآمدی، ای کاره بندکدی، کارگرای بیچاره به مشکلات اقتصادی دچارشده به امی خاطر کارشکنی می کنن! من برایش گفتم سیدبادجان این یک خیانتس توخو آدم نمازخانستی، ای مال مردمس جواب خدا ره چه داده میتانیم، ای یک دزدیس ! اوگفت انجنیرصاحب اگه دزدی نباشه کارهم پیش نمیره، دگه خودت میدانی، اگه اموتور ادامه بتی ده ظرف دو سه هفته کل برمه کارا ایستاده میشه، ای کارگرا بسیارغریب و بی چاره هستن، بیا که برت حساب بتم، ماش یک کارگرتنهانان خشک پانزده روزهٔ فامیلشه پوره کده نمیتانه، تو خودت فکرکو!

سیدبادرفت ومن ساعتهدرفکرغرق بودم که چه کنم؟ از یکطرف مشکلات درجریان کارهای برمه کاری، ازطرف دیگر بیچارگی وروزگارخراب کار گران، مسئله دزدی تیل وروغنیات همه مراگیچ ساخته بودند، دعامیکردم واز خدا(ج) کمک می خواستم . صبح همان شب همه کارگران راجمع کردم، از مشکلات زندگی شان صحبت کردم وهرکدام آنهااز بیچارگی روزگارجایه میکردند ازبنکه معاش شان حتی کفایهٔ نان خشک رابرای فامیل

شان نمیکرد حرف زدند، ازمربضی که درخانه دارند وتوان دارو و درمان اوراندارندل ازیبخانگی و دربدری . همهٔ قصه هایشان غمگین ودردناک بود که اشک رادرچشمهاجاری میساخت. به آنهاگفت من توان بلندبردن معاش شماراندارم وکدام مدرک رسمی دیگری راهم نمی بینم که باشماکمک اقتصادی شود . من پیشنهادمی کنم هرکدام شماکه به شفت کارخود میآ ییید باخود دوگیلنه هم بیاورید ودر ختم شفت کارآنهارا تیل پرکرده باخود ببرید ولی برای من وعده بدهیدکه بصورت مخفی تیل راازساحه نمی کشید، درمورد کشیدن تیل بصورت مخفی آن حرف زدم که خیانت است ودرنزد خداوند(ج) جوابگوی میباشیم وآن برای شماحرام است، ونصایحی ازاین قبیل راتذ کاردادم . وقتی این پیشنهاد راکردم همه خوش شدندودرروح وروان شان شادی دمید، چون قبالیک گیلن تیل رابطورمخفی باصدهاترس ولرز باخودمیبردند وعدهٔ ازکارگران این کار را نمیکردند، ولی حالاهمه دو دوگیلن تیل درختم شفت کاربا خودمی بردند. فکر میکنم قیمت یک گیلن تیل درآنوقت بیست یا بیست وپنج افغانی بود و معاش ماهوارهرکارگر بین ششصد تا هفتصد افغانی بود.

دبری نگذشت که کارهاهمه سربراه شد، اندازهٔ متراژ برمه کاری هایلند رفت، کارگران خوش وخوشحال بودند وآن افسردگی که ازنگاه اقتصادی داشتنددیگدرروح وروان شان دیده نمیشد. همه مانندیک فامیل کارمیکردند، درمیان شان صمیمیت ومحبت پیداشد وفامیلهای شان قسماً ازنندگی آرامتر برخوردارشده بودند. آنهایکه ازمِن بدشان میآمد حالامحبت وصمیمیت شانرابا دل وجان احساس میکردم. آنهابه اندازهٔ بمن محبت وعلاقه پیداکردند که وقتی حزب خلق وپرچم قدرت رابدست گرفت وتره کی رئیس جمهورشد، کمیتهٔ حزبی درسرپل ساخته شد ومنشی آن یک شخص ظالمی بودکه تعداد زیادمردم وکارگران راگرفتارکرد که همه لادرك شدند.

یک شب یکی ازکارگرانی که عضوحزب بود، نفس سوخته به اتاق من آمد وگفت انجنیرصاحب مه هی حالی ازجلسهٔ حزبی آمدم، ده اونجه ده مورد توحرفهازدن وتره آدم مشکوک میدانن وگفتن بااشاردست داری و فیصله کدن که امی شو گرفتارت کنن، دگه مه رفتم چاریته بکو! من بدون معطلی چیزهای ضروری که داشتم باخودگرفتم، دروازهٔ اتاق راازداخل بستم تا فکرشودکه من دراتاق هستم واز راه کلکینی که درتشناب بود برآمده وبه مشکلات خودرابه یک قریه رساندم. دروازهٔ یک خانه راتک تک زدم ونیمه های شب بود، صاحب خانه صداکرد کیستی ده ای نیمه شوی؟ گفتم اکه جان مسافرهستم وجای ندارم، مسجدرامی پالم اگربرایم نشان بدهی. آن مرد پاکدل اوزبیک ازخانه برآمد ومراه مسجدقریه برد. دروازهٔ مسجد راتک تک کرد ملا صاحب مسجدکه مرد نکویی بود دروازه رابازکرد ومرااجازه دادکه در گوشهٔ مسجد استراحت نمایم.دیری نگذشته بودکه آن مرد پاکدل اوزبیک دو باره آمد ویک کاسه پلو اوزبکی گرم برایم آورد ومعلوم میشد که تازه پخته شده بود. این عنعنۀ آن مردم بودکه مسافر راه گم کرده رابه مسجدمیبردند و عزت داری میکردند . صبح بعد ازادای نماز، فوراً پندوپندولهٔ خودراجمع کردم وبه بازارقریه رفتم واولین موترلاری راکه شبرغان میرفت ودرآن رایکین با گوسفندان وبزهای شان بودند گرفتم وخودرابه شهرساندم . شبرغان راخوب بلدبودم وجندتن ازدوستانم درآنجابودند، ولی بدون آنکه آنهارا ملاقات نمایم هم روز بدون معطلی راساً به مزارشریف رفتم وبه خانهٔ همشیره ام رفتم ودر حدود پانزده روزدرآنجاباقی ماندم وبعدبکابل آمدم وبه نجیب که برادر خوانده وصنفی من درفاکولته بود احوال دادم. نجیب باوجودیکه خلقی بود و سابقهٔ زیادحزبی داشت، حتی شخصاً باتره کی شناسایی داشت ولی یک بچهٔ بسیارنیک وبرادر خواندهٔ صمیمی من بود که مانندبرادر باهم بودیم . نجیب به خانهٔ ما آمد وازدیدن من بسیارخوشحال شدوگفت اوخدازده تومیدانی که از طرف توجقدر بریشان بودم چون اطرززدیده ونحوهٔ عقیده ام آگاه بود، گفت من به منشی کمیتهٔ ولایتی شبرغان تلفون کردم وجویای توشدم، گفتن که لادرك است، وبرایم توصیه کردکه ازخانه نبرآیم تاکارهاراسربراه کند، چون وضعیت بسیارخراب بود وهرکسی را حق وناحق می گرفتندو می کشتند.

این یک تجربهٔ بزرگی بود که درآنزمان درموردش چندان فکری نمیکردم ولی حالامیدانم که اگرمعاش یک مامور بیایک معلم یاکارگر به اندازهٔ کفاف زندگیش پرداخته میشد ودرمورد رشوه و اختلاس قوانینی وضع ومرعی الاجرا میبود، به یقین که کسی به رشوه دهی ورشوه گیری توصل نمی جست. احتمالاً که درقوانین کشور مجازاتی برای رشوه گیری بود، اماهمه روی کاغذ ونمایشی بودند ودرطول سلطنت کسی به جرم رشوه مجازات نشد وحتی در مورد رشوه دهنده کدام فقرهٔ قانونی هم وجودنداشت . بعبارت دیگراین عمل جرم شناخته نمیشد. درحالیکه هردوعمل جرم وجنایت است ودرکشورهای پیشرفتهٔ جهان برای هردومجازات شدید درنظرگرفته شده است .

ازفحوی آن روزگارچنین برمیآید که حکمرانان محمدزایی نه تنهادرمورد رشوه گیری ورشوه دهی قصداً بی تفاوت بودند بلکه خودشان نیززمینه آنرا مساعدساخته بودند، واین جزء نسخهٔ بود که انگلیسهابرای بقای سلطنت در خانوادهٔ محمدزایی به آنها(نادر، هاشم، شاه محمود، شاه ولی وعزیزدیره دونی) داده بودند. چه یکی ازاهداف این حکمرانان بشمول محمدظاهرشاه نگهداشتن ملت به فقر وگرسنگی بود(از اندرزه‌ای چرچیل)، که داستان فیل مرغهای کاریزمیر واندرزشاهشم جلاد وجابر وارنباط آن برای طرزادارهٔ ملت به محمد ظاهرشاه ثبوت روشنی به این نیت آل یحی بود.

طبیعی است زمانیکه یک شخص رشوه میگیرد، اوازآبروی خودمیگذرد، جوهرانسایش ازیبن رفته، صفاوپاکی ازقلبش زدوده میشود وهمواره در محکمهٔ وجدان قرارمیداشته باشد، که باتداوم عمل ناشایست رشوت وجدان آلوده وسرانجام بکلی ازیبن میروود. چنین اشخاص جرئت دادخواهی وثبات در برابربیعدالتی وظلم را ازدست میدهد، عاری ازشجاعت ومروت وخودگذری می شود، به زیردستان ظالم وبه بالادستان متملق منقاد ومزدورمیگردد.درچنین جامعهٔ حکمرانان به آرامی حکم رانده وعمرطولانی میداشته باشند! چنانکه با استفاده ازاین شیوه ظاهرشاه چهل سال سلطنت کرد و انگلیس هابرای یکصد سال هندوستان رادراختیارخود داشتند، که آثارآن هنوزهم کم وبیش دروجودمردم آنکشور دیده میشود، چنانکه اخیراً صدراعظم مودی مظالم وبیعدالتی هایی را برمسلمانان هندوستان وکشمیر رواداشت که بیشتر وشدیدترازمظالم انگلیسها برمردم هندوستان است !

پروفسرداکترعبدالفتاح نذیر استادبرجستهٔ کیمیا دردانشگاه کابل که من افتخارشاگردی اورادارم، میگوید: «وقتی مکتب رادرتخارخلاص کردم، سیزده روز رادربرگرفت که خودرا ازتخاربه کابل برای سیری کردن امتحان کانکور برسانم. سفرپرمشقتی بود، گردوغبار راه سراپای ماراپوشانیده بود، تکانهای که موترلاری از پست ولندیه‌ای راه میخورد به اندازهٔ بود که مسافرین رانیم متربه هوا بلندمیکرد ودوباره به پشت لاری که سربازبود میخوردکه سخت دردناک بود ودرختم سفرپشت وپهلوی هرکس داغها برداشته بود. مشکل دیگر گذشتاندن شب بود که یادرسماوارهای محقر ودودآلود سپری میکردم یاخطرراقبول کرده دره‌های آزادمیخوابیدیم. راه به اندازهٔ پریخطربود که احتمال چپه شدن آن لاری هاکه هم انسانهاوم اموال وحیوانات رایکجا انتقال میداد هرلحظه موجود بود. راه ازتخار بکابل(درمجموع همه راههای کشور) به اندازهٔ خراب بودکه لاری که من درآن بودم درجاهایی که امکان چپه شدن لاری صد فیصدبود، مسافرین ازلاری پایین شدید وپیاده آن نقطه راعبور کردیم وحتی دریک نقطهٔ سرک آنقدرخراب بودیک تیرعقبی لاری کاملاً به هوابود وامیدسلامتی آن بسیار کم . واین بخشی ازشوگوفایی سلطنت ظاهرخان بودکه به آن دههٔ به اصطلاح دموکراسی میگفتند !

تقریباً اکثرمطلق نواحی مختلف کشوربه اندازهٔ عقب نگه داشته شده بودند که رفت وآمدازیک منطقه به منطقهٔ دیگرخیلی ها مشکل وپریخطروحتی ناممکن بود. مردم سالهادوستان خودرا دیده نمیتوانستندوازمِ رگ ومیرهمدگر خبر نبودند. بخاطردارم وقتی پسرِبچهٔ کوچک بودم، خواهرم که درمزارشریف زندگی میکرد، برای سالهابکابل آمده نمی توانستند، درآنوقت اگر کسی از مزار شریف بکابل میآمد باید کوتل شبر وبعضی کوتل های خطرناک دیگرعبور میکردند، که همه همان باخطرمرگ بود. همه ازاينکه بعداز سالاهمدیگرا میدیدند گریه هامیکردند ونذر وخیرات میدادند که شکرخدا به سلامتی رسیدند واین مقارن سالهایی است که درایران برعلاوهٔ شاهراه‌های مطمئنی همهٔ نقاط آنکشورتوسط خطوط آهن پیوست شده بود، وپاکستان خطوط آهن خودرا تا سرحد تورخم کشانیده بودوصاحب شاهراه های مدرن بود.

ازفقروحشتناکی که سراسرکشور رادر دوران سلطنت محمد ظاهرشاه احتوا کرده بود، هرگز نمیتوان چشمپوشی کرد. اگرحقیقت رااظهارنماییم اکثریت مطلق مردم ماگرسنه بودند ونان خوردن شانرابه مشکل پیدامیکردند وباقفر و بینوایی دست به گریبان بودند. دربیشترمناطق کشورمردم توان خوردن سه وقت غذارانداشتند ودر۲۴ساعت فقط یکبارغذامیخوردندوآنهم غذای فقیرانه و بی کیفیت! خوراک بیشترمردم نان خشک وجای تلخ یانان خشک وپیاز یا نان خشک وآب بود. برای مردم شهرنشین بوره یا گُر(قندسیاه) میسربود که عمدتاً آنهایکه نسبتاً زندگی بخورونمیری داشتند ازبوره، امامردم فقیرشهر نشین از گُراستفاده میکردند. مردمی که دراطراف ونواحی دورترشهرزندگی میکردند مطلقاً توان خرید بوره وگر را نداشتندوحتی بعضابوره راهرگزندیده بودند ونمی شناختند. درشهرهابخصوص کابل نسبتاً هرنوع میوه وغذا پیدامی شدولی اکثرباشندگان توان خرید آنهارانداشتند.

تاجاییکه به میتوانم بخاطربیاورم، اگردرشهر کابل احصاییه گیری میگردید سه طبقه مردم دیده میشد:یک طبقه مرفه ازهرنوع نعمات زندگی برخورداربودند، که شامل مقامات (صفحهٔ ۸)

با کتاب «جفای بزرگ» آشنا شویم

اخیراً کتاب ارزنده و آگاهی دهندهٔ تازه باعنوان اصلی بالا وعنوان مشروح «پژوهشی دربارهٔ اتهام کودتای شهید میوندوال «با تحقیق ونگارش آقای داوود ملکیار، در ۲۸۷صفحه درقطع وزیری درسال ۲۰۲۰توسط انتشارات شاهنامه درهالند به چاپ رسیده است .

این کتاب مستطاب عصاره و نتیجهٔ چندین سال تلاش و پژوهش ملکیار عزیزمی باشد، که طی آن به گردآوری اسناد و مدارک غبن وخفنگاری دستگاه جهنمی سردارداوود واطلامش شامل کودتاجپان ۲۶ سرطان، پلیس مخفی و رسمی آن دشمن بزرگ آزادی وسرفرازی ملت وکشورما، صرف شده، مصاحبه های کوتاه وکشال با مسئولین شیطانی ادارهٔ نامشروع داوودی و نیز باآن مردان بلندهمت وخدمتگارفغانستان که از زیرتیغ جلادان داوودی نجات یافته بودند، به عمل آورده، شاهدان کتبی وچاپ شدهٔ نشرات چاپی و برقی افغانستانی درداخل وخارج کشور رادرآن جمع آوری کرده است.

اینکه ازمجموع مستندات متذکره، برق حقیقت جهمیده و واقعیت دسیسه های ابلیسی داوودی واعوان واطلامش را دربرابر خوانندگان کتاب قرارداده است، خود ازصفات عالی این کتاب شمرده میشود. آنچه بنام کودتای محمد هاشم میوندوال به آن شهیدملت و اشخاص پاکنهاد ومیهندوست توسط داوودیان اتهام بسته بودند، بامطالعهٔ این کتاب ارزنده خوانندهٔ روشن بین و ژرفنگر به گُنه آن دسایس پی میبرد .

دردنبالهٔ معرفی کتاب، مطالب افزونترخواهیدخواند، مگر آنچه به نظر نویسندهٔ این سطوردرباب قتل عام ظالمانه ووحشیانهٔ کودکان وزنان وجوانان خانوادهٔ داوود توسط عمال روسی درروز هشت ثور۱۳۵۷ تبلیغ وتشریح میشد، دراین کتاب روایتی دیگردارد درصفحهٔ ۲۶۹، بدین توضیح :

... «باتأسف وتألم شنیدیم که بالاخره داوودخان با ناامیدی محض، بعداز نیمه شب هفت ثور، نه تنهابرای خود بلکه برای اعضای خانوادهٔ معصوم وبی گناه، بشمول نواسهٔ دوسالهٔ خویش تصمیم میگیردتازنده بدست کودتاجپان نیفتند، ودرحالیکه سه یاجهارتن ازاعضای خانواده درطول آن شب هولناک توسط مرمی های کودتاجپان ازبیرون بقتل رسیده بودند، درصبحدم هشتم ثور وقتی کودتاجپان به دم دروازهٔ اتاق میرسند، اعضای خانواده یکی پی دیگربا تفنگچه های دست داشتهٔ شان دست بخودکشی میزنندو چندتن دیگربشمول اطفال خردسال(دوساله) توسط میرویس پسر داوود خان به ضرب گلوله های کلاشنکوف ازپادرآورده میشوند. بعضی ازشاهدان عینی که درین حوادث دلخراش داخل ارگ زخمی شدند یاجان سلامت برده اند، به دوستان واقارب نزدیک خودگفته اندکه شخص داوودخان نیزبه ضرب مرمی تفنگچه توسط خودش کشته شد...»

بایی بردن به این حقایق، دیگرناروا وناصواب وخالی ازثواب است که صفت «شهید»به نام یک (خودکشته) چسپانده شود، چون دردین مبین ما هیچکسی شهیدشمرده نمی شودکه خود خودرا کشته باشد .

شاعرکم گوی وگزیده گوی آقای جلیل شبگیر پولادیان، دریچهٔ جامع ومانعی درشناساندن کتاب (جفای بزرگ) گشوده اند، که زیب آخرین صفحات(۲۷۹تا۲۸۶) شده است. دراین بخش نخست معرفی کتاب، فشردهٔ از نگارش ایشان را نقل میکنم . پولادیان نگاشته :

«جفای بزرگ) روایت اندوهبار برههٔ دردناکی ازتاریخ معاصرکشور ماست. روایت نخستین زخم خونین اپیدمی کودتای ۲۶سرطان۱۳۵۲ وظهور جمهوری ضحاکان ماردوش. داستان مستند توطئه، خدعه ونیرنگ مزدوران بیگانه، برای بلعیدن خردمندترین فرزندان کاوه، وسرآغاز فصل نوین خون و شمشیر . جفای بزرگی که سردمداران کودتا بابشیخون ننگین شان بردست آوردهای آزادیخواهانه وتحول طلبانه، آنرا(انقلاب ملی) جا زدند ودیری نگذشت که چهرهٔ کریه ضدملی شان باجفای بزرگ برجان دوستداران صادق دموکراسی نوپا، از پردهٔ تزویر برافتاد .

رویداداتهام ناروای کودتابرمحمدهاشم میوندوال وهم زنجیران بیگناهِش نخستین کارنامهٔ پلشت دولت غاصب کودتایی دورهٔ دوم دکتاتوری داوود خان وشراکیش بشمارمیرود. نقطهٔ چرخشی که نیم سدهٔ تمام کشورومردم مظلوم مارا درکورهٔ آتش آشوب استبداد داخلی وتجاوز بیگانگان سوخت وخاکسترساخت. تردیدی نیست که پژوهش وروشنگری پیرامون ابعادوپيامد های مهم این رویداد مهم تاریخ معاصرافغانستان ازرنگاه بسیارارزنده و ضروری است.

از این دیدگاه اثرپژوهشی (جفای بزرگ) تالیف هم مین گرامی داوود ملکیار که درنتیجهٔ سالهاتحقیق وکاوش فراهم آمده، نخستین مستندجامعی است که محققانه به جوانب گوناگون این رویداد روشنی می اندازد. ویژگی یک پژوهش خوب مستند

بودن، دیدگاه آزاد ازبغض وغرض وبهره وری از وسواس حقیقت جویی وراست اندیشی است... (جفای بزرگ) که نام دیگر آن (پژوهشی دربارهٔ اتهام کودتای شهیدمیوندوال) است، خوشبختانه تحقیقی است واقعبینانه، مستند ومتکی برشواهد وسرچشمه های ملموس وقابل اعتبار...

نکتهٔ بااهمیت وقابل درنگ دیگردراین کتاب درهم ریختن توهم برانت داوودخان است، توهمی که هواداران اواشاعه میدهندکه گویاداوودخان ظاهراً نقش چندانی دراین قضیه نداشته است، تابه زعم خویش ناشیانه آب تظہیر روی اشتباهات بزرگ اوبریزند. شمارکسانیکه دراین سالهاپیرامون این رویداد نوشته ودآوری کرده اند، همه کاسه وکوزه رابرسرماموران فرودست و زیر فرمان اوشکسته اند وازمسئولیت شخص نخست وقدرقدرت داوود خان به عنوان (زعیم ملی) وطنخواه طفره رفته اند.

لذاهنگام آن رسیده که بارائه وارزیابی شواهد واسناد موثق، کاخ پوشالی اینگونه توهم های گمراه کننده وبی بنیاد را در هم کوفت. این یک نیازاست برای حقیقت یابی وآشناساختن اذهان به بنیادهای توهم های کاذب پندارهای سیاسی واجتماعی واندیشه هایی که هرگز بانقدوارزیابی حقیقت جویانه محک زده نشده اند، بویژه درهمین روزها بابالاگرفتن هرزگی هاوعوامفریبی های سیاستمداران حکومتگری چون کرزی واشرف غنی (احمدزی) شماری قهرمان تراش ونخبه خواه ازدکثاتوران قهاری چون داوود خان ونجیب الله به نام قهرمان وشخصیت ملی یادمی کنند. درحالیکه داده های مستندتاریخی نشان داده است که ازرنگاه، پلهٔ اشتباهات وحتا جنایات نابخشدنی این دو شخصیت دروغین درقبال سرنوشت فاجعه بارکشور ومردم ماآن قدرسنگین و چشمگیراست که دادن القاب دهن پرکنی نسل درمانده، هیچ چیزی ازواقعیت امرکم نمی کند.

فاجعه آفرینی های دکتاتوری داوودخان دربدفرجامی های تاریخ معاصرما برکسی پوشیده نیست. اوبودکه باآغازصدارتش دورهٔ نمی گشایش کاکایش شاه محمود رادرنوردید، وبدترازآن باکودتای بدفرجام۲۶ سرطان ۱۳۵۲ تومار دههٔ دموکراسی رادرهم پیچید. اینهانقطه های عطفی بودند برای عقب گرد های بعدی وفرصت دادن به نظامهای توتالیتار، سرکوبگر، تمامیت خواه و خون آشام که کشورما رابه گورستان قرن مبدل کرد .

جوبیارخونبار میوندوال شهید وهم زنجیران بیگناهِش نه تنهاطوفانی شد که تاج وتخت نام نهاد داوودخانی رادرخود غرق کرد، بلکه باآمیختن بادرپای خون هموطنان ما درکشتارگاههای بعدی، یک نسل کامل این کشوررابه تباهی وسیه روزی کشاند. بنابراین پرداختن به فاجعهٔ شهیدمیوندوال نه تنها پرده برداشتن ازشنایت آشکاریک رژیم تمامیتخواه، توتالیترومستبداست بلکه توجه به ژرفای تراژیدی بزرگ او، ریشه درتاریخ سراپا بادروداغ مادارد.

حسنک وزیر رابه جرم جانبداری اذفرهنگ میهنی و گسترش زبان فارسی به جای عربی دردیوان سالاری، به گناه رافضی گری تهمت بستندوبه دار کشیدند، وخاکسترصدهاندیشه ورز ودیگراندریش رامنصوروار به جرم حق خواهی وحق گویی به باد دادند. میوندوال شهید درزدیکترین برههٔ تاریخ معاصرما یک نمونه است که رویکردبه آن درسهای آموزنده برای برجسته کردن اندیشه هاو کارنامه های این شخصیت هاست ...

شاهدیم که دستگاه مزدور وتماमितخواه نادرخانی وهاشم خانی چگونه به نام تامین امنیت دولت غاصب شان، روشنفکران مارا وحتا دولتمردان خردورز و مردم دوست مارا دروکردند. ازقلع وقمع مشروطه خواهان واعدام محمولی خان دروازی وقتل عام خاندان چرخی تابه زندان کشیدن محمودی هاوغبار ها وده هاآزادیخواه دیگر. بنابراین موجودیت رادمرد راستکاری چون میوندوال که صمیمانه برای استقراروگسترش حاکمیت مردم وتحکیم نهادهای مردم سالاری پایه میدان گذاشته بود، خارجشم آنهاشد. دولتمرد فروتن ومسالمت جویی که حتا کوشید دستگاه سخت وخشن حاکمیت موجود راباوجودساختار های نابه هنجاروپوسیدهٔ آن بسوی نرمش ودگرگونی وخدمتگزارمردم، برای ایجاد جامعهٔ باز ومدرن بکارگیرد، برخلاف گرایشهای انقلابی نمای براندازانه که ازمست دیگربه خشونت وزورگویی و یکه تازی میدان می داد .

ازسوی دیگرنیزاین خردورزی واعتدال هیچ وقت مقبول نظرافراطیون عقب گراکه مرتجعانه به سنتهای دست وپاگیر تاریکخانه های قرون چسپیده بودند برابرنبود . بیاددارم که چگونه درآن سالهای متلاطم دههٔ دموکراسی افراط گرایان دست راستی تلاشهای شهیدمیوندوال رابرای گسترش عقلانیت سیاسی ورواج اندیشه های مدرن ادارهٔ جامعه به باد انتقادمی گرفتند، وروشنگری های اورا درقابل مقاله های منتشره درجریدهٔ مساوات، ارگان حزب دموکراتیک مترقی، موجب اشاعهٔ کفر وبددینی تلقی میکردند ...

یکی ازبخشهای دیگرکتاب که همچنان جذاب وخواندنی

ناصر اکبری

فیسبوک نویسنده

در قهر خندیدم

باری ضیالحق دکتاتور وقت گفته بود « این وطن

(افغانستان) والاتر از آنچه است که به این مردم تعلق داشته باشد».

هنگامی این جمله را خواندام درقهر خندیدم ، بعد با خود گفتم ضیالحق ملامت نیست، این یک حقیقت است که این ملت هرگز ارزش و قیمت این کشور را ندانسته اند، ملتی نصیب این سرزمین بدبخت شده است که یسوادش تا که توانسته کشته است وویران کرده است و یسوادش تاکه توانسته فروخته است، ملتی بوده سراسر کینه و انتقام که خودش از خودش انتقام گرفته است، گاهی هم پدر برای قدرت پسرش را کشته است و گاهی هم برادر برادر را کور کرده است، ملتی بوده که شاهش با مهر در قرآن رعیتش را بلعیده است گاهی شاگرد وفادار استادش را خفک کرده است و گاهی هم رهبرش را خودِ شان به دار زده اند.

بلی دوستان گرامی، لطفن قهر نشوید این سرزمین دارای ملتی بوده که دزدش مقام داشته و دانشمندش تبعید شده است، ملتی بوده که آدمکشی را افتخار وخیانت را عزت دانسته است، ملتی بوده که ملا ومولوی اش عسکرش را گردن زده است، ملتی بوده که از آغاز تا امروز نه دوست خود را و نه دشمن خود را شناخته است، ملتی بوده که زنش هنوز فرهنگ کنیزی را ترک نگفته گاهی ماشین تولید طفل و گاهی هم بجرمِ فرزند دختر به گلوله بسته شده است، ملتی بوده که هرگزصاحب دسترخوان باعزت خویش نبوده همیشه نانش را گدایی کرده‌آست، ، ملتیِ بوده گه یک شب آرام و آسوده نخفته است ویکروز رابه یک لبخند شیرین عاشقانه آغاز نکرده است... افسوس و صد ها افسوس با اشک ها ...! /

هراسی ناشناس از افرادش !

سلام ... میگو کدام روز استاد ناشناس با یکی از تلویزیون های افغانی در اروپا مصاحبه داشت وشکایت کده بود که مه از ترس اوغانستان رفته نمیتام خبرنگار پراسن کد چرا استاد؟ ناشناس گفت هر انتحاری که ده اوجه میشه، هردزدی که میشه، خلاصه هر کار خلافی که میشه میگو افرادناشناس بود ! او مردم بخدا به قرآن اگه مه ده اوغانستان او قسم نفر داشته باشم ، به لباز خدا دگه ایلای ما کنین !!! /

میباشد، گزارش تلاشهاو کاوشهای پیگیرانهٔ مولف وخانواده اش، برای کشف گورگمنام شهید میوندوال است. کشف عاطفی و نادری که سیه کارهای متراکم سلسله های استبدادراز زیرخروار ها خاک به تماشای خلق الله میگذارد. تلاشهای خستگی ناپذیر مولف بویژه برای بازبایی شواهدومستندات آرامگاه میوندوال و گزارش آن دربخش دوم این کتاب، واقعا درخورستایش است. دستبردزدن به پیکر قربانی خون آشامان، فصل دردناک وعمق خیره سری وسفاهت ضدانسانی و جنایتکارانهٔ خودکامگان تاریخ خونبارما بوده است. بعدهامیراث بر آن سنت کودتایی داوودخان، درتکراربه مراتب خونبارتر، درهفتم ثور۱۳۵۷ خورشیدی هزاران جوان برومند وصدهادانسمند سرشناس ومردمی را درپولیگونهها وكشتار گاههای گمنام درسراسرکشور سربه نیست کردند. خانواده هاوعزیزان آنها تا هم اکنون درحسرت یافتن کوچکترین نشانه ازیپیکرگمشدهٔ آنها، یعقوب وار سوگوار وجشم براه اند.

پیداست که جلادان آدمکش ورهن، این عمل شنیع رااز زمرهٔ مهارتها و شهکارهای خودمی شمارند، تابه زعم خویش نشانهٔ ازقربانی بیگناه برجای نگذارند، ازگونهٔ جنایتی که کودتاجپان داوودخانی پس ازکشتارهلوناک، پیکر میوندوال شهید رابه خانوادهٔ داغدارش نسپردند وپنهانکارانه ماننددزدان سرگردنه، درگور گمنامی جال کردند، تاداغ فراموش ناشدنی دیگربردل خانواده ودوستدارانش بگذارند، همانند داغهایی که هم اکنون برجگر هزاران خانوادهٔ بی پناه شهیدان مظلوم کشورما تاول زده است .

فضای ویژهٔ این بخش متن کتاب، بویژه سرگردانی های فرساینده ونفس گیرملکیارعزیز برای یافتن گمشدهٔ شان دروادی خاموشان شهدای صالحین بسیارعاطفی وهیجان انگیز است وبه پیرنگ زنده وملوس رمانی می ماندکه گویی درجهان عاطفه وتخیل، روح سرگردان میوندوال شهید گام بگام جستجوگران سرگردان رابسوی پیکرخاک شده واستخوانهای بازمانده اش همراهی میکند، تا راز سربه مهر جنایتکاران سفاک وآخیرین پردهٔ نمایش تیاترخونین صحنه آرایان دروغ وترفند گشوده شود . اینجاست که باورمی کنی که میوندوال نمرده است، بلکه در رستاخیزدیگر باتمام قامت، باستون سپیدهٔ استخوان هایش فریاد می زند :

سعدیا مرد نکونام نمیرد هرگز

مرده آنست که نامش به نکویی نبرند /

دربدرشاه کابلی

نامهٔ سرکشاده به گلبدين حكمت يار اميرحزب اسلامي ۱!

گرچه شما سزوارآن نيسٲيد كه سخنم را باسلام همراى تان آغاز نمايم ، اما چون من الحمدالله مسلمانم عقيدتاً كلامم را باسلام شروع مينمايم ، واما بعد .

مدت هاست ميخواهم از شما چيزهاى پيرسم تا شخصيت مرموزتان را كه سالهاست درعقب يك قبضه ريش ، يك لنگى سياه كه گويند(مختص به سادات ،اولادۀ حضرت محمد(ص) است) پوشانيده ايد، براى من وسايرهموطنانيكه ميخواهند بدانند شماكى هستيد وچه ميخواهيد ،روشن گردد آنهم درصورتيكه شما به حيث يك مسلمان واقعى راست بگويد گرچه باورندارم بمانند يك فرد مسلمان راست بگوئيډ ، باآنهم از شما ميپرسم كه:

۱- چطور تصميم گرفتيد كه با دولت جمهورى اسلامى افغانستان كه بگفتهٔ شما وهمفكران وهمنواهان طالب تان دست نشاندۀ امريكائوناتوست،درب مذاكره رابازوبروندصلح نامنهاد،پاسخ مثبت داديد؟ يادم است ، زمانيكه درپاكستان بوديد بخاطرخوشى قاضى حسين احمد رهبرپيشين جمعيت اسلامى پاكستان كه شما و حزب اسلامى در بندش بوديد واخذ كمكهائى بيشترهمين امريكا وكشور هاى عضوناتو كه ازطرف آى اس آى وحكومت پاكستان بوساطت وقضاوت اين قاضى برايتان توزيع ميشد ،در يك مصاحبۀ تان گفتيد :
(تازمانيكه يكنفر ازسربازان امريكايى درافغانستان موجود باشد،امت رسول الله (ص)نباشم اگرچه جهاد!خود ادامه نډهم.)
ياتان است يازين حرف تان هم مانند راکت پراگنى شهر كابل منكر ميشويد ؟

۲- چطور تصميم گرفتيد كه باحكومتى همكارى كنيد كه برعلاوۀ سربازان امريكايى ،مشاورين نظامى امريكائى رانيزبا خود دارد ؟

۳- چطورتصميم گرفتيد كه قانون اساسى افغانستان راكه يك قانونئ مترقى ودموكراتيك است قبول كنيد زيرا شما ضد ترقى و تعالى ودموكراسى هستيد ؟

۴- چطور تصميم گرفتيد كه با اعضاى حزب وحدت كه درشوراى نامنهاد صلح ، جاىگاههاى رئيس ومعاونين آن شورارا داشتند باب گفت وگورا بازنماييد ؟
در حاليكه شما دشمن آشتى ناپذيرملت هزاره و شيعه ها هستيد كه درين مورد باداغشيان و وهاييان نامسلمان عقيدۀ مشترك داريد.البته دويوست و مقام بلند ديگرى هم دراختياربرادران ملت هزاره بود: سروردانش معاون دوم رياست جمهورى كه هنوزهم است ومحمد محقق معاون دوم رياست اجرائى آن زمان .

۵- چطورتسليم دولتى شديد كه جنرال (فعلاً مارشال) عبدالرشيد دوستم رهبرجيش ملي اسلامى شمال كشوركه ازجملهٔ دشمنان سرسخت شماست وزمان تسليم شدن شما به دولت جمهورى اسلامى افغانستان معاون اول رياست جمهورى افغانستان بود.وجه شد كه تن به خفت بدهيد ؟

۶- چطورتوانستيد باشهريان بى دفاع كابل كه درزمان طغيان شما بيشتراز شصت هزارهمشهري خود رااعم از زن و مرد و پيروجوان وكودك توسط راکت هاى شما كه ازولسوالى چهار آسياب كابل فيرميكرديد ازدست داده اند وباديدن چهرۀ شما كه براى همه ناميمون است روبرو شويد ؟

۷- شرمتان نيامد، درزمانى كه پروفيسرصبغت اله مجددى واستاد برهان الدين ربانى بنوبت بحيث رؤساي جمهورنامنهاد وشما به حيث صدراعظم نامنهاد،ازطرف نوازشريف صدراعظم پاكستان دررهبرى افغانستان آنوقت مقررشديدبرعلاوۀ منافقتههاوجنايات متعددضداسلامى وضد بشرى، وپرتاب هزاران راکت بالاى مردم بيدفاع كابل كه نسل اندر نسل مسلمان بوده وهستند،عمل ناهنجار انتحارى رانيزدستورداده وبافتخاراَنعمل غيرانسانى وغيراسلامى و زشت وقبيح خود راعمل (شهادت طلبانه يا استشهائى) خواننده و خلاف دستورآيۀ مباركۀ(۹۳) سورة (نساء) قرآن كريم) ومن يفتول مومنًا متعمداً...الى آخر) ترجمه : (وهر كه بكشد مسلمانى را بقصد(پس) جزاى وى دوزخ است جاويد باشد درآن وخشم گرفته خداپراوولعنت كرده پراووآماده كرده به اوعذاب بزرگ) (۱) عمل كرده وانسانهاى بى دانش و بى سواد را كه ازاحساسات قومى ولسانى شان سوءاستفاده كرده بودى، خود وآنها را خسره الديناى والاخره كرده واسكت هاى انتحارى پوشانيده وروانۀ قهردوزخشان كرديد وعدهٔ ازمسلمانان ومؤمنين كشوررا شهيد و بখاك وخون كشانيده وبعد ازانجام اينعمل زشت خلاف ارشادات دين مبين اسلام و قرآن ، با افتخار مسؤليت آنرا قبول كرديد،غافل ازاينكه برعلاوۀ غضب خداوند نفرت بيشتر ملت مظلوم افغانستان و مسلمانان واقعى جهان ومخصوصاًمردم كابل را كمائى كرده وهمواره نفرين فاميل هاى قربانى شده نثارراه شمابودوهنوزهم است.

و اماندانستم كه اگر اين عمل زشت به عقيدۀ شماشهادت طلبانه بوده و آنهايى راكه شُستشوى مغزى ميډايد و اين عمل ضد اسلامى و بشرى رانجام مى داندند،شهيد ميناميد ،چرا خودشما اين عمل زشت رادرگذشته ها انجام نداده وخود آن واسكت

انتحارى را شهادت طلبانه رانپوشيديد؟ تا به عقيدۀ خودت و ساير وهابى ها شهيد ميشديد واز طرفى شَرَتان از سرمردم بيگناه ماهم كم ميشد .

اما با تاسف شما آنقدرپُرووهستيد كه اين حرف هاى من كه حرف تمام مردم كابل هم است ،زرۀ دراخلاق و رويۀ بدوكلهٔ ميان تهى تان تاثيرنخواهد كردوخواهى كرد آنچه راباداران پاكستانى وعربى تان دستور بدهد .

شنيده ايم كه دولت جمهورى اسلامى افغانستان كه شما آنرا دست نشاندۀ امريكا ميخوانيد،بابت تسليم شدنتان سالانه بنام خرج دسترخوان (بيت رهبر حزب اسلامى)ومصارف مفت خورهاى دورو پيش شما وجيب خرج اميرزاده ها ، مبلغ هنگفتى دالراز(كيسۀ خليفه)برايتان بخشيده.بعلاوۀ موترهاى زد گلوله ،بادى گاردها و بادنجان دور قابان وبلى گويان جاهل اطراف شما ميپردازد،كه بجز احمق پولى چيزديگرى نميتواند باشد،چون شما يك مفت خور و سربار دولت هستيد.آيااين برايتان شرم آوروبى غيرتى نيست؟ براى شما ها كه همواره از شملۀ بلند وشهامت ومردانگى حرف ميزنيد . كجا شد آن شملۀ (جگ) و آن مردانگى وغيرت افغانى تان كه همواره بدان ميلافيد وَحالا بميدان آمديد وديديم كه جزيك پوقانۀ پُف شده توسط پاكستان واعراب چيزديگرى نبوديد وافسوس ميخورم بحال آنعده ازمردم بيسوادى كه فقط باديدن ظاهررباكارانه وشنيدن حرف هاى عوامفريبانه ازشماپيروى كرده وهنوزهم ميكنند وگرنه سائرين دروجود شمانه علم را ميبينند ونه دانش ونه مردانگى ونه شهامت ونه(حكمت) را. واماى ديگر اينكه اگرمرد ميبوديد وافغان وشهامت و مردانگى رهبرى يك حزب يا تنظيم سياسى را ميداشتيد ،واگرواقعاَازاعمال گذشته و گفتارهاى غيرمسولانۀ فعلى تان براستى منفعل وپشيمان شده وميخواستيد خودرابرياست جمهورى كانديد كنيد، لازم بود موزه هايتانراپرازريگ كرده باريسمانى درگردنتان مى انداختيد وسربرهنه وپاى برهنه دركوچه و پس كوچه ها وجاده هاى كابل با شعار(الهى العفو) از خداوند طلب آمرزش ميكرديد واز مردم كابل به اين شكل معذرت ميخواستيد تا اگرترا ميډيرفتند .واما شما نه تنها اينكه اين كاررانكرديد كه با پرويى بيحد ، خود را براى اشغال پست رياست جمهورى افغانستان نامزد كرديد و توقع داشتيد كه همان مردميكه دلهايشان ازدست شما پرخون است و سايۀ تان را با سنگ ميزند ، برايتان راى بدهند وشمارا به حيث ريس جمهور خود انتخاب نماينند . واى ازين نادانى و صد واى ازين پرويى . اينست شهامت و مردانگى افغانى ؟؟؟

چه (حكمت)درتو باشد چونكه خوانى خويش را(يارش) ؟!

به غير از قتل و غارت چيز ديگر را تو مى دانى؟

خداوندا! ظالمين را با ظالمين سردچار بگردان ۲۰۲۰/۱۲/۲۱

= (۱)تفسير كابلى

سيد اسحاق شجاعى

گرگ‌هایی که نخبگان را می‌درند

در حالی که جنگ میدانی طالبان با حکومت افغانستان در ماه‌های اخیر شدت بی‌سابقه‌ای یافته است، حالا جههٔ تازه‌ای از کشتارهای هدفمند بر آن افزوده شده است. ترور خاموش فرهنگیان، روشنفکران، اعضای جامعه مدنی، عالمان دینی، خبرنگاران، افسران ارشد نیروهای امنیتی، اعضای نهادهای ناظر بر انتخابات آزاد و... این ترورها اکنون به صورت برنامه‌ای روزمره درآمده و با استفاده از ضعف حکومت، آسان انجام می‌گیرد.
داکتر ایاز نیازی، یوسف رشید، فرشته کوهستانی، یما سیاوش، رحمت‌الله نیکزاد، ملالی میوند، الیاس داعی و چهره‌ها و نام‌های بسیاری طی دو سه ماه اخیر حذف فیزیکی شده‌اند.

تاکنون هیچ گروه و کسی مسؤولیت این قتل‌های زنجیره‌ای را به عهده نگرفته است. گروه طالبان اعلام کرده که افراد غیرنظامی و اعضای جامعه مدنی را ترور نمی‌کند. داعش خراسان که در ماه‌های اخیر مسؤولیت برخی عملیات انتحاری را پذیرفته بود، در مورد این ترورها سکوت کرده است.

اکنون مهم‌ترین پرسشی که ذهن همگان را به خود مصروف ساخته این است که این ترورهای برنامه‌ریزی‌شده، زنجیره‌ای و هدفمند را کدام گروه یا افراد انجام می‌دهند و انگیزهٔ این ترورها چیست؛ و نیز این پرسش که کدام گروه یا چه کسانی از مرگ این افراد سود می‌برند؟

در این مورد تحلیل‌های گونه‌گونی صورت گرفته است؛ برخی این ترورها را کار طالبان می‌دانند؛ برخی آن را به مافیای درون حکومت نسبت می‌دهند و برخی دست داعش و پاکستان را در پشت این جنایات می‌بینند. هر کدام هم دلایل خود را دارند.

به نظر نگارنده چیزی که ما را در رسیدن به عوامل این ترورها کمک می‌کند ماهیت مشترک افراد ترور شده است. همهٔ آن‌ها نخبه‌های فرهنگی، رسانه‌ای و مدنی بودند که فعالیت‌شان موجب بیداری و هشیاری مردم نسبت به واقعیت های جاری می‌شد. ازعالم دینی چون داکتر ایاز نیازی تا یما سیاوش و یوسف

سیدآقا هنری

هامبورگ

چاپ بیست وششم کتاب افغانستان در پنج قرن اخیر

چيست تاريخ اى زخود بيگانه يى داستانى، قصه يى، افسانه يى اين ترا از خويشتن آگه كند آشنای كار و مرد ره كند

روح راسرمايه تاب است اين جسم ملت راچواعصاب است اين (اقبال لاهورى)

کتاب افغانستان در پنج قرن اخير، برای بیست وششمین بارپچاپ رسیده است.نویسندهٔ محترم و دانشمند میرمحمد صدیق فرهنگ در چاپ اول کتاب چنین عرض سیاس میکند:

«درتهيهء مطالب اين کتاب و معرفى منابع آن يك تعداد از دوستان فاضل وصاحبنظربااين جانب کمک کرده اند. درحاليکه مراتب سياس گزارى خود را به همه آنان تقديم مى نمايم؛ وظيفهء خود ميدانم تا ازهمكارى صميمانهء دوستم آقای(محمد قوى کوشان)كه دست نويس كتاب را با حوصله مندى و دقت تايپ كرده و در ضمن آن مرا از نظريات ارجمند شان مستفيد ساخته اند؛ بخصوص يادآورى وتشكر كنم.»

بعد از چاپ اول، این کتاب در پاییز ۱۳۷۱ ازطرف چاپ صدر در قم ایران به زینت طبع آراسته شد که طرف علاقهء تشنگان حقیقت پو قرار گرفت و به زودى کِمِیاب شد وبازهم زیرچاپ رفت. به همین ترتیب درمدت بیست و هشت سال تا امروزبیست وشش باربدسترس علاقمندان درسراسرگیتی قرار گرفت. چاپ بیست وششم با صحافت عالی از طرف انتشارات شاهمامه که در هالند است، عرضه شده است.

سخنى راخوب بياد دارم كه بارى ازبزرگمرد شهيد راه وطن، محمدهاشم ميوندوال شنيدم، اوگفت: «در حق مردم ما مطالبى را روا داشته اندكه اكثريت خبر ندارند .»مرحوم فقيد محمد نجيب آريا معين وزارت اطلاعات و فرهنگ گفت:« وقتى جريدهء نوبه كار آغاز ميكرد جهت اجازه گرفتن آن نزد محمد هاشم ميوندول آزمان وزيراطلاعات و فرهنگ ميرفتم خوشى براى شان دست ميدادو ازذوق خبرآنرايدست خود نوشتند. چرا در زمان حكمرانى خاندان ديره دونى آنقدر سانسور بود كه نسبت نشر كتاب افغانستان درمسير تاريخ وزيرمطبوعات عبدالرؤوف بينوا برطرف شد و اولين سبب برانداختن حكومت ميوندوال را ريختند امروزكه الحمد الله قيد وقيودى نيست و دانشمندان ما كه خاطراتى درسينه دارند يا ازمردمان درد ديدهء ما كه ديده يا شنيده اند، روى كاغذ مى آورند قسما با تصويرو اسناد و هموطنان خود پيشكش ميكنند، مردم از مظالم وموضوعات قبلى اطلاع حاصل ميكنند. از آن جمله خردمند مردى چون استاد محمدنصيرمهرين است كه عمرشريفش در تدريس وتحقيق گذشته وبرای اطلاع دهى از گذشته هاى وطن مردم زحمت مى كشد. چاپ بيست وششم كتاب أفغانستان در پنج قرن اخير نيززيرنظر وى صورت گرفته كه جناب سيد ضياء فرهنگ در مقدمۀ چاپ اخير از ايشان به نيکویی يادكرده اند. جناب مهرين درتصحيح و بازنگرى آثار نويسندگان همكارى بيدريغ واقتخارى نموده اند.

معلوم است كه مناسبات شهيد ميوندوال و مرحوم فرهنگ حسنه نبود، با آنهم مرحوم فرهنگ باوجدان پاكيژه، واضح بيان ميدارد كه درحق ميوندوال وديگر هموطنانى كه باايشان دستگير وزندانى شدند، ظلم شده است.

اينجانب چاپ بيست وششم افغانستان در پنج قرن اخير و كتاب جفاى بزرگ را براى هموطنان و حقيقت جويان وطن مبارك ميگويم. دربارهٔ كتاب جفاى بزرگ بعداً بيشتر مى نويسم./

رشيد؛ هر كدام از جاىگاه منبر، رسانه، جامعه مدنى و نهادهائى حقوق بشرى تلاش مى كردند واقعيت‌هاى سياسى و اجتماعى را در دست‌رس مردم بگذارند ومردم رانسبت به مسايليكه دراطراف‌شان مى‌گذرد آگاه كنند؛ تا مردم فريب شعارهاى دروغين ارباب سياست و تشنگان قدرت را نخورند. مردم ناآگاه فريب مى‌خورند، راه‌هاى رفته را به تكرار مى‌روند، به امور تجربه‌شده بازهم گردن مى‌گذارند و در نهايت خود را در باتلاق مى‌اندازند . حكومتهاى استبدادى وگروههاى تمامتخواه دشمنان افراد آگاه و بيدار هستند؛ زيرا اين افراد و نهادهائى مربوطه‌شان باعث مى‌شوند كه واقعيت حكومت‌هاى استبدادى و گروه‌هاى تمامت خواه افشا شود و شعارهاى دروغين آن‌ها رنگ ببازد؛ مردم ديگر به آن‌ها اعتماد نکنند و در نهايت آن‌ها از رسيدن به اهداف خود باز بمانند و خر قدرت رام آن‌ها نشود.

خيز طالبان براى گرفتن قدرت؛ بيست سال پيش گروه طالبان قدرت سياسى را در افغانستان از دست داد. پس از شكست، نيروهاى جنگى اين گروه پراكنده شده وسياست‌مداران حاكمش به پاكستان گريختند. كمتر كسى گمان ميكردطالبان(صفحهٔ ۸)

مشتاق احمد کریم نوری
شمال کالیفورنیا
نظری بر انتخابات ریاست جمهوری امریکا وتجلیل روز جهانی محوخشونت علیه زنان
به مشتاقان خوانش و دانش و پژوهش (ادامهٔ حرمت فرهنگها)

به نام او که رحمان ورحیم است
به احسان عادت وخلق کریم است
خداوند مارابه راه درست ومستقیم
حمایت وهدایت کن، راهی را که انعام فرموده یی، وپس ازانعام، مورد نفرین ولعنت او قرارنگرفته باشد.
به روح پاک شهدای وطن و آزادی دعا ودردومی فرستیم.
خداوندا بحال این ملت درد دیده ودرخون غنوده رم وروشنی فرما !
وتوبهٔ این ملت رنجکشیده رابه درگاه خویش قبول ومقبول فرما، هرچندمیدانیم که دهه هاست که ملت ماموردظلم وتعدی قرارگرفته ومانیزخود راجمع وجورتوانستیم، همه به هراراه منقسم واز همدیگر متفرق، به راستی مارا چه به آرامی و پیشرفت !
وقتی پرفروش ترین کتابهاکتاب آشپزی وتدبیرمنزل باشد، بقول استادشیدا :

ما غریبیم ولی مود جهان در تن ماست

آرد در خانه نداریم
بین فیشن ماست !
واین راهم می گفت:

کهنهٔ امریکایی اندر جـــــان ما
می رسد از شـــــوروی این نان ما
نیستیم مامگرانسان به وطن کارکنیم
همچومردان جهان جان خودایثارکنیم
لیک دشمن اعتبار ما ندید
از حسد این افتخار ما ندید!

این نوشته رابه روح همه شهدای جوان وزنجیرهٔ خزان امسال که بدنبال زمستان وبهار وتابستان کرونایی، پاییز خونین به خون پاک ایشان که در آموزشگاه، دانشگاه، زایشگاه، لشکرگاه مشغول کاروآموختن وپژوهیدن بودند، اهداء می نمایم که رفته بودند تادرس بخوانند، اجسادشان آورده شد، کوردلان زمانه عقده مند شدند، واقعا جنگیست میان گلوله وقلم !

درجهان نتوان اگرمدانه زیست
همچومردان جان سپردن زندگیست
واقعا دردآوراست که دریامگیر قربانی ازدست رفته ، پدرش ۱۴۲ بار پیام میگذازد که(جان پدر کجاستی)واین میشود که به یک حرکت نمادین و یک حماسه ورستاخیزبزرگ مبدل شود. برتولد برشت گفته:
» باراول که خبر دادنددوستانمان راکشتنند، از واهمه ناله سردادیم، بعددههاتفر راضحه هاومویه ها سردادیم ووقتی به صد هارسید عادی ترشدیم، وزمانی هم که به هزارهاتفر رسید وقتل عام وقضایی هاجریان یافت، مسلخ را باور کردیم ولحاف سکوت پهن شدجنایات انباشته عادی ونادیدنی شده رفت.
بلی رنج که تحملناپذیر شد، فریادهاناشیدنی میشود ورویهٔ عادی «که به راستی به همین بسنده میشود که جان پدر کجاستی ؟! اززمانی که قرن تغییرکرد یعنی قرن ییست به سدهٔ بیست ویک تعویض میگردید، درواپسین ماههای سال ۱۹۹۹ تشویشی جهانی براه انداخته شد که آذوقه جمع کنبد. باتبدیل قرن وبه اتمام رسیدن حروف کمپیوتری(۰۰) در سال ۲۰۰۰ دگرگوینهای عمیق وعظیمی بمیان می آید، مردم ددرساررگیتی درحیرانی وخوراکه فروشی روزتاروز تهی ازمواد غذایی ونگهداری شده چون قوطی های کنسرو وغیره . اماآنچه درهمان شروع قرن جلوه نمایی کرد، انتخابات ریاست جمهوری امریکا بود که میان الگور معاون رئیس جمهوریل کلتن و جورج بوش پسر بود که بارقه هاوجرقه های قلب بلند شد واصطلاحات (ایالات چرخشی) یاکلبیدی وحساب کن و شمارنکن یا محکمه میروم، وبه دادستانی ارجاع میگردد . همین طورهم شدونتییجه را دادستانی عالی معلوم نمود وبوش پسربرایکهٔ قدرت نشست والگور ازگردونهٔ انتخابات حذف شد .

بعدهاواقعهٔ تراژیدی خونین ۱۱سپتمبر براه افتاد که آژیرخطرآنرا شخصیت کاریزماتیک قهرمان ملی شهیداحمدشاه مسعود درسفر اروپایی اش بصدا در آوردودر ۹ سپتمبراین سپهسالارآزادی ومقاومت توسط جباران جهل حذف فز یکی گردید.

هرچنددرخزان ۲۰۰۱ موقعیت جیوپولتیک، جیواکانومیک، جیوفزیک وجیوستراتژیک افغانستان تاحدی درک گردید، ولی موجودیت معامله گران و فاشیست مشربان ویکجانبه نگران پروسهٔ بن رابه (بن بست) مواجه نمودند، و ازاصل (آتش بس) خبری نبود، وتابه حال هم سربراه سازان بن بویژه شخص زلمی خلیلزاد فرق بین(بن بست) و(بن بس) رادرمغالطه قرارمیدهد.
یادم است که درهمان وقت درمصاحبهٔ ازمَن سئوال شددرمطبوعات که این چه قرنیست؟ ومن لاجرم پاسخ دادم این قرنیست که هوشیاران همه خواب اند !

ودراین دودهه هم چه ازلابلای مطبوعات چاپی وجه هم ازوسایل ارتباط جمعی سمعی وبصری منحیث یک مطبوعاتی سابقه دار بار هانوشتم وغفتم ویان نموده راهی هستم . اما انگارهمه کراند و دارم بادیار سخن می گویم !

درهمین روزهابازهم ازطریق مطبوعات وهکذا ازلابلای برنامه های قبلی دریچهٔ سخن که رادیویی بود وهفت سال میشود که تلویزیونی پیشکش میگردد، خصوصا به آنانی که پاکستان راهمواره (خانهٔ دوم) شان میگویندویان میدانند که درصورت حمله ومشکل به پاکستان آنان دردفاع از(خانهٔ دوم) شان پاکستان می ایستند! وخصوصا که بعضی ازایشان برای(شهای جمعه) به پاکستان سر می زندویک تیر ودوفاخته، یاهمان که گُنتگ شان یکجاوتخم دادن شان دیگرجا، ویاهم تخم های مرغ خانهٔ اول شان رادرسبیدیگانگان می گذارند.

درهمین خزان وآخرین پاییزقرن خورشیدی هم بیان داشتم که با این سفرها(یخانهٔ دوم تان) که گویافرش سرخ برایت پهن نمودند وبایشکش چند بشقاب میتیایی ولدو گلاب جامن! وبیاجکن کراییی وجاول وپاکت زرد گیری وپتواندازی! اغفال نشوید!!!
دراین بیست سال پولتیک ساخته شده ویازمامداران ایندودهه که اکثرشان خانهٔ دوم رانسبت به خانهٔ اول ترجیح میدهند، کشورراه کشور های گروه بیست یاگروه جی هشت یا جی هفت پیوندزده اند، یا رشداقتصادی مابصورت سرسام آور دو چندان وچند چندان گردیده، آیا تداوی واقدامات بهداشتی مابه مرحلهٔ رسیده که خود کفا شده ایم؟

یاسلاحهای مدرن ووسایط ثقیلهٔ مدرن میسازیم؟ مگرهمان ها نبودند که میگفتند قوای مسلح وسلسله مراتب و اداری را درافغانستان برچیدیم . مگر همین نوازشریف نگفت که به کشورش دیگرچه خدمتی کند که جفاهایی به افغانستان کرده بافتخار یاد ننمود؟ مگر جنرال ضیالحق نگفت که آمدن و آوردن صلح درافغانستان معجزهٔ قرن ییست خواهدبود؟ مگردنباله روان او وکسانیکه درنقش قدمهای او پاگذاشتند چه حکومت نظامی وجه حکومت ملکی درشروع قرن ییست ویک هم صلح رابرای کشورمابه معجزهٔ قرن ییست ویک مبدل نکردند ؟!

من نمیخواهم درین یادداشت ازسخنان غلام اسحق خان، پرویز مشرف، بینظیروتو، آصف علی زرداری وحتی یوسف رضاگیلانی ونصیرالله بابر وسرتاج عزیز ودیگران شان یادنمایم، یا آنهاییکه در طرف دیورندپاکستان بسر میبرند وبارها اخبارنموده اندکه پاکستانی اندوخانهٔ ابدی شان راپاکستان خوانده اند. همین تازه عمران خان صدراعظم پاکستان درمصاحبه بامجلهٔ شینگل گفت که اختلاف باما دولت کابل درحالیکه میتوانست بگویدباجمهوری اسلامی افغانستان، که نگفت، اینست که حکومت کابل به هندموقع ومجال ندهد که برضدپاکستان از آنجا اعمال تخریبی انجام بدهد، موضوعی که کابل آنراهمواره رد کرده وهند هیچ فعالیتی از کابل ندارد برضدپاکستان، یا بدنبال نهال شانی وبته غرسی رهبران افغانستان به پاکستان .

درکنفرانسی روبروی حکومتی هاولیدران ولدران افغانستان ، شاه محمود قریشی وزیرخارجةٔ پاکستان گفتصادیگر (اربابی نمی کنیم) ودوستی می کنیم واین جملات را ازکتاب ایوب خان رئیس جمهوراسبق پاکستان برگرفته بود. وموضوع تجارت ووصل شدن آسیای جنوبی رابه آسیای میانه، که گویابرای گسترش تجارت و ترانزیت به شکل تلویحی به نحوی ازانجا یاد کرد . قریشی افزود که گویابرای تجارت وترانزیت صلح وثبات درافغانستان لازمی است!

اما درمیان افغانستانی هاآنقدرسیاست انگلیسی تفرقه بینداز و حکومت کن را قمچین کرده اند که بازجندیی خاصیت وخانهٔ دوم دوست بیان میدانند که چرامسبین واقعات آموزشگاه کوئرودانشگاه کابل وگزارشگران رامحکوم نمودید ولی ازواقعات جلال آباد وخوست را نه ! درحالیکه کسی واقعاقلباً واخلاقاً ووجداناً به زادگاه وخانهٔ اولش عشق وعلاقمندی داشته باشد برایش همهٔ نقاط وطنش مهم وقابل قدراست. خار که دریای یک هموطن درد آورد، مردم اصیل وخانه دوستان واقعی راهم سخت می آزارد، آخرهمه سر وئهٔ یک کرباس اند. به قول استادشیدا درمیان مانفاق انداختند – تاجیک اوزبک هزاره وبشتون ساختند...
یاقول استادخلیلی هزاره چیست پشتون کیست، اساس فرقه بازیهای استعمار را بشکن !

اماهیچگاهی نمی گذارندونگذاشتند که به خودآییم وروبروی آیینةٔ قدما به خودبنگریم که تاکی کشتن وبندی کردن، همه را زمامداران(خانهٔ دوم دوست)ارزیابی قوم گرایانه نمایند، درحالیکه امروزهمه سرزمین وقلمرو کنونی بنام افغانستان وهمه اقوام باهم برادر وبرابر درد دارند وضربه های این تراژیدی رامی خورند.

روان شناسی میگفت مریضان اصلی وواقعی هیچوقت نزدمانمی آیند، مراجعین مااکثر کسانی اند که توسط آن بیماران مریض شده اند! درحالیکه جستن تروود صدراعظم کاناداحملهٔ تروربسی در دانشگاه کابل وهمه جای کشور راغیرانسانی توصیف کرد، و حملات اخیردر کانادا واکش های جدی را همراه داشت و رسانه های کانادا هم این حملات و کشتار هاپوشش گستردهٔ رسانه یی داشتند، و تروود گفت درکنارمردم افغانستان وکشورهایی است که شاهدچنین رویدادهابوده اند.

اما درایالات متحده این روزهابدنبال اعلام پیروزی جوزف بایدن بحیث چهل وششمین رئیس جمهور روزهای موج وپرنلاطم دربیش خواهد بود. نپذیرفتن نتیجهٔ انتخابات توسط دونالد ترمپ ورفتن اوبه محکمه، نمایانگر فضای پرتش را بازمیگوید، که درطول تاریخ وفرافز وفرودزمانه ایالات متحده در ۲۴۴ سال که تاامسال ۲۴۵ سال میشود درنقشهٔ هستی عرض اندام نموده و ۵۹ بارهم به گردونهٔ انتخابات رفته ودمو کراسی آن هم الگو پنداشته میشود با همچو یک چالش وجهشی که فضای ملتهب کنونی را رقم زده وجامعهٔ امریکا رادوقطبی ساخته است. به یک موضوع نگران کننده تا ۲۰جنوری که روزتحلیف و آغاز کاررسمی بایدن میباشد درقبال دارد.

دادستان کل امریکا تحقیقات دربارهٔ ادعاهای قلب درانتخابات را مجاز دانست، وبعدازااعلان نتیجهٔ انتخابات رئیس جمهورترمپ وزیردفاعش آقای اسپر راسبکدوش ساخت، وقبل ازانتخابات هم بدنبال وفات قاضی گینزبرگ درماه سپتمبر، باوجودی که درمنظره هاهم جوابیدن واذهان عامه بدین نظر بود که قاضی بعدی پس ازانتخابات سوم نومبرتوسط رئیس جمهورجدیدتعیین تکلیف گردد، اما ترمپ که در کارهای غیرمتعارفش بدطولا دارد، ازجمله برآمدن ازاسازمان بهداشت جهانی وکنفرانس اقلیم پاریس و... درچندروز قبل ازانتخابات خانم امی کونی برت قاضی محافظه کاررا معرفی وتعیین نمود، و دریشبینی اینکه برای روزمبادا ازانامبرده به مفادخود بهره برداری نماید !

بایدن درسال ۱۹۷۲ زمانی که سی سال داشت، خانم اول ودخترش را دریک حادثهٔ ترافیکی ازدست داد ودوپسرش هنتر و بو ازازدواج اول بابایدن ماندند. اودرسال ۱۹۷۷ با جیل که نُه سال از وی خردتر بود

عروسی کرد. به گفتهٔ بایدن خداوند جیل رابه او وبچه هاتحفه دادتاجای خالی مادر رابه پسرانش پربسازد وغم مادر شان را تاجایی جبره و جبران کند. اومعلم بودوباعروسی تبدیل به یک مادرمهربان شدو فضای خانواده راصمیمی وبرانرژی ساخت. جیل درسال ۱۹۷۹ یک دخترهم به دنیاآورد. امادرسال۲۰۱۵بابیدن یکی از پسرانش رابخاطر مریضی مغزی ازدست داد، واین ضربهٔ دیگربود به جوبایدن (که خداوند(ج) هیچ پدرومادر راداغ اولادشان ندهد، وکسانی راکه باهمجو غمی مواجه شده اند، ازجمله آقای محمدفوی کوشان مدیر مسئول امید ومحترمه داکترثمیله جان کوشان معاون ناشرامیدرا صبر دارین نصیب گرداند) جیل بایدن درسخرنایی اش گفت که پایداری وصبربایدن رابدان واداشت که به روزچهارم وفات پسرش به سر کار برود، چنانچه بایدن درسخرنایی اش بعداز پیروزی درانتخابات ریاست جمهوری گفت که دراین راستا نقش جیل بایدن خانمش و خانم اول(فرست لیدی) ایالات متحده خیلی مهم وارزنده بوده است.

جیل بایدن که قبل اززمان ریاست جمهوری بارک اوباما، خانم دوم امریکابود، در کالجی در ورجینیا تدریس میکرد وداکتری هم درتعلیم وتربیه دارد، هنوزهم شوق تدریس رابه سر دارد .

درسخرنایی اخیرش جیل جملهٔ پرتین دیگری راهم بزبان آورد که آری، بلی تنهاعشق ومحبت ودوستی است که زندگی رامیسازد وباعث دوام وقوام صمیمیت هامیگردد . جالب است که اکنون شگفتی درایالتهای باید دارد (سراب سرخ) ودیوار قرمز راشکسته است . اودریکی ازکمپاین هایش گفت مردم امریکا ازتویت های ترمپ، ازخشم او، ازنفرتش، وازناتوانی اش و مسئولیت ناپذیری اوخسته شده اند. ودرسخرنایی بعداز پیروزی اش بیان کرد که من رئیس جمهورهمهٔ ایالات متحده هستم، وتمکین به ابنای بشر وهمه کسانی راکه رای داده اند یانداده اند، دارد .

امیدواریم که آقای بایدن ضعف وفساد خلیلزاد ودولت ترمپ به کابل را درک نماید واشتباهات گذشته را بازبینی نموده، برطالبان فشاربیآورد تاآتش بس را رجحان بدهندو نمایندهٔ کارکشته ای رابجای خلیلزاد درامورافغانستان بگمارد. /

دریچه بر نثر ...

امیراسماعیل راخدمت رسان وبگو که میشنوم که لشکرت بینواست، این نسخهٔ گنجهای من است و برادرم، همان بهتر که این مال به بندگان توعاید گردد تاایشان را اُهیتی (سر و سامان) باشد. ازبندگی توقع آن است که کردارموافق گفتار فرمایی وازخون من دست کوتاه کنی ومرا به حضرت خلیفه فرستی.

حاجب به تصورآنکه ازبهراسماعیل تحفه آورده بشاش می آمد. امیر اسماعیل بانگ براو زودوگفت بازگرد واین نسخه بااو بازده وبگو: اسماعیل میگویدازغایت دانش میخواهی که براهل خردفرونی جویی؟ تو راوبرادرت را گنج ودفینه ازکجاآمد؟ همهٔ جهان رامعلوم است که شما روگر(صفار: آنکه ظروف فلزی راسفید کند) بیجانید. دوسه روزی سعادتِی که به حقیقت عین شقاوت بود، مساعدت شماکرد ودرجهان استیلا یافتید وبه زورظلم وجور اموال مردم حاصل کردید. مظلمه ای که از آن اموال درگردن شماست، میخواهی که به صنعت(حیله)درگردن من افکنی؟ من از آنهاییستم که این بازی بخرم و آنچه گفت که اوراقدخون نکنم، چون مرابراحق خونی نیست، چرادست به خونس بیالایم و آنچه گفت اورابه خلیفه فرستم،بعیرازین چگونه توان کرد؟

حاجب برفت وجواب باگنجانمه بدو رسانیدوگفت هزار آفرین برروان پاک امیراسماعیل باد. امروزبه زمانی افتاده ایم که برادرخون برادرجهت اندک فائدهٔ دنیای روا میداردودوغنیست میشمارد.

اسماعیل سامانی، عمرولیث را مقیدبه حضرت خلیفه فرستاد. چون چشم خلیفه بر عمرو افتاد گفت:الحمدلله الذی مکننی منک وکفی شغلک، واورا محبوس کرد. ودرعهد معتضد دوسال محبوس بود. ووقت وفات، معتضدبه روایتی خادمی رافرستاد تا اورا بکشت وبه روایتی اورا فراموش کردند و خوردنی ندادند تا بمرد.

کاراوموجب اعتبارجهانیان است: باآنکه ازپادشاهان هیچکس راچون او سرفه وخوان نبوده، معهدا ازگرسنگی مُرد! (تاریخ گزیده)

عبدالواسع جبلی غرجستانی

بدیع الزمان عبدالواسع بن عبدالجامع جبلی غرجستانی از شاعران و فرهنگیان مشهور پارسی‌گوی است که در قرن ششم هجری می‌زیست. وی در ولایت غرجستان درافغانستان و در شرق هرات است چشم به جهان گشود. عبدالواسع جبلی غرجستانی در حوزه‌های دینی تربیت یافت و بر علوم تفسیر، فقه، کلام و حدیث و نیز شعر فارسی و عربی تسلط داشت. جبلی از پیشروان تغییر سبک خراسانی به عراقی بوده است. وی در سال ۵۵۵ هجری قمری درگذشت. این هم چند بیتی از یک سرودهٔ او :

منسوخ شد مروت و معدوم شد وفا
وز هر دو نام ماند چو سیمِرخ و کیمیا
شد راستی خیانت و شد زیرکی سفه
شد دوستی عداوت و شد مردمی جفا
گشته‌ست باشگونه همه رسمهای خلق
زین عالم نپهره و گردون بی‌وفا
هر عاقلی به زاویه‌ای مانده ممتحن
هر فاضلی به داهیهای گشته مبتلا
وانکس که گوید ازره دعوی کنون همی
کاندر میان خلق ممبر چو من کجا
دیوانه را همی نشناسد ز هوشیار
بیگانه را همی یگزیند بر آشنا
با یکدگر کنند همی کبر هر گروه
آگاه نی کز آن نتوان یافت کبریا

درسی از روزشش جنوری

محافظین به هر کنج و کنار و زیرچوکی ودیوارچه هاپنهان کرده بودند، یک قسم بی عزتی برای شان رخ داده بود! رویدادی بودکه جهان برامریکا وضعیت حفاظت کاپیتال ویی نظمی هابلاتأمل برتبصره های افسرده کنندهٔ مردم باشهامت وقانون پسند وپترویت های راستین اضلاع متحدراکه مرکب از همه اقوام ملل متحد اند، بارآورد.

قرار راپور مخصوصیکه شام روز شنبه ۱۶ جنوری از CNN پخش شد سیر زمان رویداد چنین خلاصه شده است:

۱۲:۴۹ بعد از ظهر وقت شرق امریکا ترمپ به اجتماع طرفداران یاغی خود گفت مایک پنس باید انتخابات را رد کند واگر نکند من چندان خوش نمی باشم؛ به پیروی از همین کنایهٔ او بود که باغیان شورشی صدا میزدند «مایک پنس را به دار بیاویزید!».

۱:۵۹بعدازظهر به عمارت کاپیتل داخل شدند. ۲:۱۱ تخریبات آغاز گردید. ۲:۱۳یکتعداد داخل تالارشدند۲:۱۴صبح به کمک پلیس اعضای کانگرس و مایک پنس دوباره داخل تالار شدند.۲:۲۴ صبح مایک پنس آنچه ترمپ توقع داشت قانون شکنی نکردوبرای دوام رای گیری جهت تأیید جوبایدن و کامله حارث شروع به کار نمود. و کسیکه هنوز هم به رد تأیید اصرار داشت سبب شد تا سنا و نمایندگان هرکدام به جمبر های خود برگشته موضوع را مورد بحث وگفتار قراردهند. بعد ازختم این دبیت سناتور ها به جمبر برگشتند . پنس دوباره شروع جلسه را ابلاغ نمود؛ ۱۳۸ نمایندهٔ جمهوری خواه با وجود دهشت وتشددتفوق طلبان سفیدپوست هنورهم رای تأیید ندادند ولی چون در اقلیت بودند موفق نشدند. یکعده سناتورانیکه طرفدار رد انتخابات بودند نظر به حملات وحشیانه ودهشت افزایی که صورت گرفت صرفنظر نموده به رئیس جمهورمنتخب ومعاون رئیس جمهور منتخب رای تأیید دادند.

۴:۰۰ صبح که مطابق ۲:۰۰ صبح وقت کولورادو بود جلسهٔ مشترک ریاست جمهوری جوباید ن با معاونیت کامله حارث را با اکثریت آراء تأیید و پنس ختم مجلس را اعلان نمود، معمولاً تأیید رای الکترو کالج در مجلس مشترک در ظرف ۲–۳ ساعت تکمیل میشود. من تا همین مرحله همه گذارشات را تعقیب نموده بودم. متاسفانه، پلیس کاپیتل قرار[مایکل مور]یک ژورنالست راستین ومحبوب مردم درآنروزتنها۵۰۰پلیس ازجملهٔ ۲۳۰۰ به وظیفه گماشته بودند. کانگرسمن های شریک ویابخیرداراز رویدادتشدد آمیز و دهشت افزای شورشیان احتمالی اعضای دفتر را رخصتی داده بودند تا ازگزند دهشت و وحشت که بعضی ها به آن تروریستهای داخلی امریکا نام داده اند، در امن باشند.

خوشبختانه با فعال شدن FBI، خدمات امنیتی و پولیس اکثر تروریستان گرفتار و در گیرودار دفاع از اعمال شنیع خود به قانون دانان رو آورده اند.دو نفر ازین قانون دانان در پروگرام «کریس کومو» در CNNظاهر شدند که دلایل شان موردقبول آقای کوموکه خود قانوندان بااستعداد است قرار نگرفت ولی هردو گفته اند که مدافع الیهٔ شان به اثر امر رئیس جمهور ترمپ که برایشان بس وهوتل تهیه نموده بود بحیث یک پتریوت یا وطندوست شرکت کرده اند. ازجانب دیگر، درقانون خدمات فدرال وهم درعسکری امریکا آمده است که درصورت اوامر غیرقانونی امرآمرامخصوصاً که به ضد امنیت مردم باشد مامور دولت یا نظامی وملکی می توانند از انجام آن ابا ورژند.

تهدیدات مسلحانهٔ تروریستی، این باربااستفاده ازاسلحه در روزچهارشنبه۲۰ جنوری که روزحلف وفاداری و پیروی از قانون اساسی امریکا از طرف رئیس جمهور منتخب و معاون رئیس جمهور منتخب می باشد منابع امنیتی از امکانیت تشدد، ترور و بی امنیتی مسلح طرفداران ترمپ در سرتاسر اضلاع متحده وهمه پنجاه ایالات هوشدار داده اند و عملا واشنگتن و مخصوصاً محل تحلیف راباموجودیت اضافه از بیست هزار نظامی به یک قلعهٔ دفاعیه تبدیل کرده اند. این عملیات تشویش ملیونها همشهری نامسلح و صلحدوست و امنیت خواه اضلاع متحده را سبب شده همه در هراس اند، سخنگوی سابق قصرسفید که فقط توانست این مرد دروغگو را برای دوهفته تحمل کند به شام جمعه ۱۵ جنوری به کریس کومو اظهار داشت: « هرچیز از دست این فرد برآمده میتواند من در ۹۶ ساعت آینده خیلی ها در هراسم!».

بعدازآرامش توطئه های تروریستی وناکامی اشغال کاپیتل وگفتار ترمپ:« به خانه هایتان برگردید شما مردم سپیشل یا مخصوص هستید و من شما را دوست دارم»ازیکسوواعلان قانون شبگردی بعدازشش شام ازطرف شهردار واشنگتن دی سی ازجانب دیگر سبب شد که تروریستان ترمپ به هوتل های خودبرگردند و گفته شدکه تعدادزیادشان هنوزهم ازشهر نبرآمده اند.

اعضای کانگرس در حوالی ۱۲ صبح وقت کولورادو به تالار

برگشتند و به ریاست مایک پنس، جلسه سرنوشت تعیین کننده اعلان شد و رای تأیید ریاست جمهوری جو بایدن و کامله حارث از طرف اعضا آغاز گردید. در ختم مجلس ۹۳ سناتورکه پیشنهاد پذیرفتن «رد انتخاب رئیس جمهور منتخب و معاونش را» به رای گیری گذاشته بودند آنرا نپذیرفتندوتنها ده سناتور که ازشرکای باندتروریست ترمپ بشمارمیروند باوجود اغتشاش و تخریبات محل کار شان که خانهٔ مردم است خواستندانتخاب جوبایدن و کامله حارث ازطرف سنا ردشودکه موفق نشدند. ازجملهٔ این سناتورهای زیرپاککنندهٔ رای مردم، سناتوری بودکه بامشت بسته ولند درفضاتروریستها راحمایت میکرد نامش را رسانه ها «جاش هالی» نگاشته اند. نفر دوم «تد کروز» مشهوراست که در سال ۲۰۱۶ ازجملهٔ کاندیدریاست جمهوردریک پلتسفورم باترمپ کاندید دیگر ایستاد بود. ترمپ به خانم وپدرش اذرتوهین پی شآمد، ولی این مردقدرتجو خودخواه نه تنها خموش ماند بلکه جهت استفاده از زمینهٔ برای خواب ریاست جمهوری آینده حمایت ازخانم ودفاع ازپدررانیزفراموش نموده شریک تروریستهادانسته شده است. کانگرس درفکرمجازات ایندوعضو خودمیباشد.

بعدازین مقدمهٔ معلوماتی میآئیم براینکه رئیس جمهور اشرف غنی احمدزی، طالب، پارلمان و مردم افغانستان ازین روز سیاه امریکا که برای بعضی ازین ها باداران شان اند، چه پندگیرند، مختصری به ایشان می گویم:

غنی احمدزی باید پندگیردکه تقلب، تفوق طلبی وتفرقه اندازی عاقبت خوب ندارد. پول ومقام ریاست جمهوروسخنان زشت ودست وپا زندهای بیجا بریکتعداد معدودافراطیون تفوقجوی پشتون بردیگران بی تأثیر است. پشتونیزه ساختن مملکت هم جزنمایاندن تبعیض لسانی کدام ارزش دیگرندارد. قسمیکه اتکای ترمپ به دهشت افگنان وتروریستان داخلی به مفادش تمام نشد همکاری شما باآنهاثیکه میگویند زبان فارسی دری لسان خارجی است یا انکه میگویند خدا باحضرت موسی در کوه طور به پشتو تکلم نمود به زبان تاریخی شما تمام خواهدشد. قسمیکه ترمپ دوستان بین المللی امریکارازین کشور دورساخت، متضرررشد. شماپانزدیکی پس پرده بادشمنان مردم افغانستان جواب ده خواهیدبود. طوریکه دروقت تصدی ترمپ تعدادزیادجوانان سیاه پوست کشته شد، درزمان تصدی شماتعدادکنیرمعززین،دانشمندان، ژورنالستان کشته شد؛ ترمپ رابادوبارامپیج کردن جزادادند ولی چون درافغانستان هرچیز را به رکود سوق داده اید و پارلمان جدی وقوی وجودندارد باشمادرحقیقت بخت بد همراه است. ترمپ دیوار سرحداث جنوبی راجهت توقف هجرتهای غیرقانونی بناکردشما گذاشتیداین کاررا پاکستان طبق میل خودبناکندوخاک وطن راجزءسرزمین خود بسازد. لسث کشال است فقط چند مثال جهت جلب توجه تان تذکریافت.

طالب در افغانستان، مانند همین دهشت افگنان وحشی که سروبر ترسان کننده درامریکا اغتشاش سرداده اند، می باشند. شما تروریست ها با نعرهٔ الله اکبر تفنگ به شانه میگیرید قتل میکنید، مسجد میسوزانیدوتروریستان داخلی امریکا باصدای USA خانهٔ مردم خراب میکنند ودست به خون کشگان حادثه رنگین دارند. خداکندتفاوت رامتوجه شده باشیدشماخانهٔ خداتخریب میکنید و آنها خانهٔ مردم! ترمپ شماراخریده واعلام داشته که طالب برای امریکا کار میکند؛ آماده باشید ممکن به خدمت انتحاریون تان درخاک امریکازشما مدد جوید. لیدرامریکایی دهشتگرا، تشدد جویان و خشونت طرازان امریکا ترمپ نام داردولیدرشماپشتون ونوکر کامنوبلت پاکستان است که پاسپورت امریکا دارد. تروریستان ترمپ خودراپتریوت یاوطندوست می نامندکه شمهٔ وطن دوستی درشان نیست و شماخودرامسلمان میدانید و ذرهٔ ازاعمال مسلمانی بشمول الصلخ خیر درضمیرتان وحود ندارد. راستش اینست که تا حال هیچ عمل مسلمانی ازخودنشان نداده اید. درحقیقت شما «گینی پیگ تجربوی لابرتوار» آزمایش های انگریز و امریکا هستید؛ استعمال شدید و استعمال می شویدتابرادران مسلمان خودرا به مفاد آنها به قتل برسانید! اکنون ازتجربهٔ شما تفوق طلبان پشتونخواه، تفوق طلبان سفیدپوست امریکا استفاده می کنند. بیدار شوید بامسلمانان و طندار خویش صلح نمائید و آتش بس عمومی بدون قیدو شرط اعلان کنید.

پارلمان افغانستان! بنگرید پارلمان یاکانگرس نمایندگان مردم و سنای امریکا چقدرقوی هستند چون پیروان قانون اندوبا حمایت قانون اساسی کشوربدون ترس وهراس، شجاعانه درخدمت مردم خود بوده رئیس جمهور فرعون صفت رادوبارخلع قانونی یا امپیج نمودند.. شمایک شهردارکابیل رابه استیضاح به شوراچلب کرده نمیتوانید. وزرای را که رای اعتماد نداده اید هنوزهم به کارهای غیر قانونی خود دوام داده اندوشماخموش هستید، دردیگر قسمتهای دنیا اینراتوهین بزرگ به خانهٔ مردم میدانند.

شرح اشتراک هفته نامهٔ امید

ایالات متحده: ۶ ماه (۴۰)دالر= یکسال(۸۰) دالر

کانادا: ۶ ماه (۴۵) دالر = یکسال (۹۰) دالر

سایرکشورها: ۶ ماه(۵۰) دالر= یکسال (۱۰۰)دالر

Omaid Weekly
12286 Ashmont Ct #202
Woodbridge, VA 22192-7075 U.S.A.
Tel/Fax : (703) 491-6321
Email: mkqawi471@gmail.com

تعدادزیاد اعضای شما به زورپول و زورمندی خودچوکی رادرشوراوسنا قپ کرده اند. وکلای امریکا قانوندانان و خطیبان مستعد و متبحر اند وکلای شما مشکل املا و انشاء دارند. آن عده وکیلانی که فهمیده وازغم مردم، تجاوزه مال وناموس مردم، فقر ویی نوایی مردم صدا بلندمیکندند دولتმندان به ضد شان توطئه میچینندوشما قدرت دفاع از ایشان نداریدوخاموشید. چون شما به مردمی که شما را وکیل خود ساخته اند تا ازایشان دفاع کنید و وسایل آرامش فامیل و اطفال آنها را از راه قانون فراهم سازید؛ گفته میتوانید چند نفرشما به این کار موفق شده اند؟ چقدر خوب می شدکه شماهم یک پارلمان مقتدرمیبودیدو رئیس جمهور متقلب، وعده شکن وتفرقه اندازراکه به ضدقانون اساسی بی قانوننها کرده خلع صلاحیت میکردید ونمیگذاشتید خارجیهابه امورداخلی شमतاجاوزکنند وسخن سرپرست حکومت مؤقت بلندکنند. کانگرس امریکاتحمل خائنین ملی راندارند. اماشما به خائنین ملی دوست هستید، سرخم دارید و اجازه داده اید تا میدان هوایی به نام شان حک شود...کانگرس امریکاز رای مردم خوددفاع کردوشماموفق به این کار نشده وناکام هستید. شما درقسمت ضیاع بیلونها دالر که دزدی شده اقدام از گاو غدود کرده اید که کافی نیست. همهٔ این نکات منفی فقط برای ایجاد شهامت ازپیروی قانون وطرح قانونهایست که به تقویت شمایفزاید تا بتوانید ماهرانه وجدی درخدمت مردم باشید و وطن را از شر مفسدین به قوت قانون نجات دهیدوازکس هراس نداشته باشید مثلیکه دیگرممالک ترس وهراس ندارند و فشار هیچ کس را نمی پذیرند.

مردم افغانستان، خداکند روش مردم امریکا شما را بیدارتر ساخته باشد. می شنویم که شماشعورسیاسی بهترترپیدا کرده ایدکه خداوندزیادکندوبشما قدرت بیشتر نصیب سازد. مردم امریکا مرد متقلب، دروغگو وافراطی تفرقه انداز را شناختند وبه او رای ندادندوهم مسؤولین انتخابات به مقابل تهدیدوفشارهای رئیس جمهور سرخم نکردند و ارزشی قابل نشدند بلکه وظیفهٔ قانونی خود را ولوکه به نقص حزب شان بود عادلانه و بیطرفانه اعلان کردند. شما به دو نورستانی مذکر و مؤنث اجازه دادید که رای بیومتریک تانرا زیر پا گذارند و بر فشار رئیس جمهور ویا خارجیان نتیجهٔ انتخابات را به مفاد کسی که باخته است غیرعادلانه و کاذب اعلان کردند. شما نتوانستید از خود دفاع کنید و هم پارلمان چنانکه بیان شد نتوانست از رای که داده اید حمایت کند. رای های که شما که در زیر باران و انتظار طولانی حتی با انگشت بریده ای که توسط طالب ظالم مانع رای دادن شما شده بود امیدید تا به صندوق رای بیاندازید نادیده گرفته شد. شمابه نمایندهٔ که میخواهدرای شمارا با یک شکم نان و چند دالریخرد بدانید که اوبرای خدمت به شما نه بلکه برای همان دالری که به شما داده اندکارمیکندند. شمابه وکیلهای که یسواد، دزد و قاچاق براند، رای ندهید. وکیل تان باید مردم دوست، وطندوست، انسان دوست وقانون دان باشد؛ از تبعیض لسانی، مذهبی، قومی وقبیله ای میرا بوده جاسوس دیگران نباشد.

اکنون وطن با این نوع روش های نادرست به مشکلات بسیار زیاد روبرو است نگذارید دهشت افگنان بدمنظربرشمافایق آید ازپلیس صادق و مردمان کارکن وزحمتکش حمایت کنید و به مقابل خائنین وطنفروش معلوم الحال از راه قانون پیشآمد نموده قانوناً به کیفر اعمال شان برسانید. ومن الله التوفیق

نوت: این مقاله با استفاده از منابع چشم دید نویسنده، ویدیوی مایکل مور، پروگرام های اختصاصی CNNو راپور «باغیان در داخل تالار» که توسط راپورتر نیویارکر در CNNنشر شد، تهیه شده است .

چند بیت دیگر از عبدالواسع غرجستانی

هرگز بسوی کبر نتابد عنان خویش
با اینهمه که کبرنکوئیده عادتیبست
گر من نکوشمی به تواضع نبینمی
با جاهلان اگر چه به صورت برابرم
یا جاهلان اگر چه به هراینه آخر میان ما
فرقی بود هراینه آخر میان ما
گر چه زمرد است به دیدار چون گیا
آمدنصیب من ز همه مردمان دو چیز
از دشمنان خصومت و از دوستان ریا
بر دوستان همی نتوان کرد متکا
بی عقل و بی کفایت و بی فضل و بی‌دها

هرگز بسوی کبر نتابد عنان خویش
با اینهمه که کبرنکوئیده عادتیبست
گر من نکوشمی به تواضع نبینمی
با جاهلان اگر چه به صورت برابرم
یا جاهلان اگر چه به هراینه آخر میان ما
فرقی بود هراینه آخر میان ما
گر چه زمرد است به دیدار چون گیا
آمدنصیب من ز همه مردمان دو چیز
از دشمنان خصومت و از دوستان ریا
بر دشمنان همی نتوان کرد متکمن
قومی ره منازعت من گرفته‌اند

کتاب (یادداشت‌های استادخلیل الله خلیلی) توسط بانوماری خلیلی ناصری و آقای افضل ناصری،به تازگی به زبان انگلیسی ترجمه شده است. علاقمندان میتوانندیک نسخهٔ انرااز مرجع ذیل بدست بیاورند :
Memoirs of Khalilullah Khalili: An Afghan Philosopher Poet – A Conversation with his Daughter, Marie (ISBN-13: 978-0615889726, 554 pages, \$19.99) is available in paperback in English and Persian at www.amazon.com.

نصیراحمد رازی

سدنی ، آسترالیا

دریچهٔ به نثر پیشینیان

ذکر و سماع

بعد از تلاوت قرآن، در میان عباداتی که زبان وسیلهٔ آنست، ذکر، توأم با دعایا بالاستقلال، یکی دیگر از عبادات مستحب است. در آیات واحادیث بسیاری ذکر به ویژه ذکر بطور دسته جمعی توصیه شده است. واگر با سماع انجام گیرد در آدمی عشق به خدا برمی انگیزد وانسان را از متعلقات دنیوی دور می سازد.

وجد اگر با ذکر دسته جمعی همراه بارقص وموسیقی انجام گیرد، جذبه وحال دیگری بوجود می آورد. غزالی سماع را که توأم بارقص و موسیقی باشد، جزو عادات اجتماعی به حساب می آورد. در واقع، وی شخصاً جانبدار این نوع سماع بوده است. ولی احتمالاً به لحاظ مخالفت شدید گروه کثیری از علمای شرع، جرئت نکرده که سماع را «عبادت» بداند و فقط به این قناعت کرده که آنرا «عادت اجتماعی» بشمارد. به نظر غزالی، سماع که در آن نام خدا همراه با طنبور آورده میشود، مشروع است. هر چند ابوحنیفه ومالک وشافعی مؤمنان را از استعمال آلات موسیقی در وقت مراسم دینی بر حذر داشته اند. در عوض عدهٔ کثیری از علما نظیر ابوطالب مکی، سماع را مجاز دانسته اند. سپس غزالی به بررسی دقیق احادیث میپردازد و چنین نتیجه می گیرد که استعمال آلات موسیقی در مراسم دینی به هیچ وجه ممنوعیت شرعی ندارد. موسیقی به تهایی اثر فوق العاده ای بردل میگذارد، حتی حیوانات نیز نسبت بدان حساس اند.

تجربه نشان داده که در مراسم دینی ودیگرمراسم، موسیقی نقش مهمی را ایفاء میکند. موسیقی نه تنها مشروعست، بلکه مستحب نیز هست. مثلاً از این خانهٔ خدا قبل از عزیمت بسوی مکه، در شهر و محل خود راه می افتند، طنبور می زنند و آوازمی خوانند. در هنگام جنگ نیز موسیقی سپاهیان را آمادهٔ رزم نموده و رجز آنان را به ستیز برمی انگیزاند .

شیون وفغان کردن دو وجه دارد: اگر در سوگ کسی باشد قدغن است ، ولی شخص اگر از خطاها و گناهانی که مرتکب شده، به شیون درآید و بدین شکل از گذشتهٔ خود اظهار ندامت نموده و توبه کند، در این فرض شیون وفغان کردن مجاز است .

آواز و موسیقی در مراسم شادی ونشاط مشروعست، بشرط آن که این مراسم مخالف شرع نباشند. بنابراین دراعیاد، عروسی، بازگشت مسافر، ضیافت، میلاد، عقیقه، ختنه و اختتام قرائت قرآن، می توان آواز خواند، نواخت و پایکوبی کرد .

بدیهی است که موسیقی شور و هیجان ایجاد میکند. حال اگر موضوع آن شور و هیجان شرعی باشد، موسیقی نیز شرعی است. به عکس اگر موسیقی امیال خلاف شرع را تحریک کند، حرامست . به دلیل اقوی، موسیقی مستحب است، وقتی که در آدمی عشق به خدا بیافریند و وجد دست دهد، تا آنجا که آدمی تصور کند خدا را می شنود و خدا را می بیند. «باید به این حال رسید تا به درک آن موفق شد، تشریح آن نامیسراست.» (سیاست وغزالی، جلد دوم)

در هجر یوسف

نقل است که روزی یوسف بر سر راه آمده بود، از راهگذاران کنعان خبر می پرسید. اعرایی دید که از راه کنعان می آید برشته ری سوار. یوسف خدام را به امری مشغول گردانید و به نزدیک اعرایی آمد و از حال کنعان و یعقوب خبر می پرسید. آن مرد گفت یعقوب از سورت فراق و شدت اشتیاق فرزند دلبنده خود یوسف نام، از شهر بیرون آمده است و بر سر راه خانه ای ساخته و آنرا بیت الاحزان نام کرده و شب و روز در فراق یوسف می گرید و از غایت اندوه و حزن انبوه، چشم جهان بینش مکفوف گشته .

یوسف در گریه شد. ملازمان گفتند یا مالک! او حدیث یعقوب میگوید، تو چرا گریه می کنی؟ گفت کارم حنا رسیدگان دشوار است و بر حال ایشان جای گریه است. همچنان گریان به خانه باز آمد و خلوت ساخته، قلم برداشته تا نامه ای نویسد. فی الحال جبرئیل در رسید که ای یوسف! از قلم دست باز دار که هنوز وقت نرسیده است. گفت: ای جبرئیل! آن پیرمسکین هلاک میشود.

گفت بگذار که آنچه دوست خواهد چنان کند. گفت هیچ پرسیده ای که گناه وی چیست؟ گفت پرسیده ام. گفت چه فرمان آمد؟ گفت چنین فرمان آمد که کسی که دعوی محبت ما کند و آنگاه به غیر ما الفت گیرد، سزای او زاری و فراق است. (تفسیر حدائق الحقایق)

گریهٔ ابلیس

نقل است که یحیی بن زکریا، ابلیس را روزی گریان دید، شفتش یچنید، گفت: ای بیگانه ! چرا می گریی و با این زاری چرا می نالی؟ گفت: چندین هزار سال بدین حلقه در زدم به امید آنکه باز کنند. آخر الامر ندا آمد که بار نیست! گفتم تا کی؟ گفت: هرگز!

گرگ ها ...

بتواند باردیگر قد راست کند و در برابر قدرت‌های بزرگ غربی و حکومتی بر ساختهٔ آن‌ها عرض اندام نماید؛ اما سیاست‌های متزلزل و غیرصادقانهٔ ایالات متحده امریکا، تلاش‌های بی‌دریغ پاکستان و ناکارامدی و ضعف‌های حکومت‌ها در افغانستان به یاری طالبان شتافتند و این گروه را زنده کرده به میدان جنگ و سیاست باز گردانند. مهم‌ترین دستاورد جنگ‌های بیست سالهٔ طالبان، کشاندن امریکا به میز مذاکره و امضای توافق‌نامه صلح با این گروه است. پس از امضای این توافق‌نامه و بیرون رفتن ایالات متحده از میدان جنگ، حالا طالبان خود را در یک قدمی رسیدن به قدرت می‌بیند. برنامهٔ طالبان در حال حاضر روی این موضوع متمرکز است؛ اما هنوز مواعی بر سر راه رسیدن طالبان به قدرت باقی مانده است.

عمده‌ترین این موانع نخست نیروهای امنیتی است که در برابر طالبان می‌جنگند و از سلطهٔ نظامی این گروه جلوگیری می‌کنند. دیگری نیروهای آگاه جامعه است که در قالب نهادهای جامعه مدنی، روزنامه‌نگاران، خبرنگاران، تعدادی از عالمان دینی، روشنفکران، حامیان دموکراسی و آزادی بیان، مدافعان حقوق بشر و حقوق زنان به آگاه سازی و بیدار کردن مردم می پردازند و از آزادی وعدالت وجمهوری مردم‌سالار دفاع می‌کنند و این امر بزرگ‌ترین سد در برابر رسیدن گروه‌های افراطی به قدرت است.

گروه طالبان چه در زمان حکومت خود و چه در بیست سال اخیر کارنامه منفی بی‌شماری از خود به یادگار گذاشته است که نمی‌خواهد بر آفتاب انداخته شود؛ چنان‌که نمی‌خواهد ماهیت ضد آزادی و ضدحقوق بشریش افشا شود و مردم بدانند که حکومت طالبی، حکومت استبدادی خودکامه است و حقوق مردم در آن جایی ندارد. طالبان، اسلام را ابزار رسیدن خود به قدرت و ثروت ساخته‌اند. مردم در امارت طالبان به نام دین برده و اسیر خواهند بود و سرنوشت‌شان توسط یک فرد تعیین می‌شود. این‌ها واقعیت‌هایی است که طالبان پنهان می‌کند. افشای این واقعیت‌ها در شرایط حساس کنونی، ضربه‌ای جبران‌ناپذیر بر این گروه وارد خواهد کرد.

پس می‌توان گفت طالبان گمان می‌کند در یک قدمی گرفتن قدرت در افغانستان رسیده است؛ اما هنوز دو مانع عمده بر سر راه است؛ نیروهای امنیتی و روشنفکران و فرهنگیانی که جامعه را آگاه و بیدار می‌کنند. طبیعی است که مواعی رسیدن به پیروزی باید از سر راه برداشته شود.(فیسوک نویسنده)

یحیی رادل بروی بسوخته دعا کرد که الهی! این بیگانه بدین زاری میگرید، چه بود اگر درآشتی بگشایی و توبهٔ او قبول فرمایی؟ خرا لا امر ندا آمد که بار نیست! گفتم تا کی؟ گفت: هرگز! یحیی رادل بروی بسوخته دعا کرد که الهی! این بیگانه بدین زاری میگرید، چه بود اگر درآشتی بگشایی و توبهٔ او قبول فرمایی؟

خطاب آمد که ای یحیی ! وی به دروغ میگوید، میخواهد که بندگان مرا بفریبد، اگر خواهی آن را بدانی بگوی تا بر سر قبر آدم رود و خاک او را سجده کند، توبه اش قبول کنم و ابواب صلح بر روی او بگشایم . یحیی به جانب وی آمده بشارت آورد و گفت مزدگانی بر تو که کارت روبه اصلاح دارد. گفت چه می باید کرد؟ گفت: حق تعالی میفرماید که وی را این انقلاب به واسطهٔ آدم افتاد. گفتم سجده کن نکرد. اکنون تدارک آن است که قبر او را سجده کند تا باز به مقام خود باز آید. گفت ای یحیی ! آن دم که آدم زنده بود و بر مسند اعزاز و اکرام تکیه زده بود او را سجده نکردم، اکنون که مرده و زیر خاک پوسیده کی سجده کنم؟ ندا آمد که یا یحیی دانستی که گریهٔ وی دروغ بوده است؟ (تفسیر حدائق الحقایق)

محل عبرت

در ربیع الآخر سنه سبع وثمانین ومأئین، اسماعیل سامانی بادوازه هزارمرد به جنگ عمرولیث رفت. گذر برهری داشت، در کوچه باغی درختی پرسیب برسر راه داشت. اسماعیل غلامی را نهانی برآن گماشت تا خود کسی از آن سبب تصرفی خواهد کرد یانه . همهٔ لشکر بر آن بگذشتند و یک سبب تصرف نکردند. اسماعیل خدای تعالی را سجدهٔ شکر گزارد که سیاست وعدل اودردل آن لشکر بدین مرتبه رسیده است و امید در ظرفیست.

عمرولیث باهشتاد هزار مرد آراسته برابر آمد. چون فریقین صف بیاراستند و طبل جنگ فرو کوفتند، اسپ عمرولیث نشاط(چالاکی) کرد و او را در ربود و به میان لشکر اسماعیل سامانی آورد تا بی آنکه جنگی اتفاق افتد، گرفتار شد و آنهمه لشکر به بانگ طبلی منهزم شدند. عمرولیث را درخمیه ای محبوس کردند. ازفراشان او یکی از آنجا بگذشت، عمرو او را بخواند و گفت از جهت من چیزی کی خوردنی تدبیر کن.

Maaid Weekly

The Most Widely Read Afghan Publication in the World

Volume 29, Issue No. 1078, JANUARY 21, 2021, ISSN 1098-8777

Founder, Publisher & Editor-in-Chief: Mohammad Qawi Koshan
12286 Ashmont Ct #202, Woodbridge, VA 22192-7075 U.S.A.

Tel :(703) 491-6321 Email : mkqawi471@gmail.com

خاطرات استادان وشاگردان

لیسهٔ عالی حبیبیه

بزودی کتابی شامل تاریخچه وخاطرات استادان و شاگردان لیسهٔ عالی حبیبیه همراه با عکسهای تاریخی به چاپ می رسد. علاقمندان لطفاً هر چه زود تر شرح حال وسرگذشت وخاطرات خود را به آدرس هفته نامهٔ امید ویا ایمیل ذیل تا آخر ماه دسمبر ۲۰۱۹ ارسال دارند.
تلفون ۰۵۱-۴۲۵-۴۶۰۴- mkqawi471@gmail.com
12286 Ashmont Ct #202. Woodbridge VA 22192—7075 U. S. A.

چهرهٔ جامعه در عهد ...

بلنددولتی مخصوصاً آنها یکه باشاه وخانواده اش رابطه داشتند. طبقهٔ تاجران ومامورینی که رشوت میخوردند نیز شامل این طبقه بودند و کمترازیک فیصد شهروندان را تشکیل داده بود. طبقهٔ دوم کسانی بودند که زندگی بخورونمیرداشته ونسبتا غذای خوب میخوردند وزندگی شان نسبی خوب بود، که شامل اهل کسبه و کسانی که شغلی ودوکانی داشتند و تعدادشان تقریباً پنج تاده فیصد بود.

طبقهٔ سوم کسانی بودند که در نیمهٔ اول ماه غذای فقیرانه میخوردند و در نیمهٔ دوم ماه گرسنه تیر میکردند وباقرض گرفتن از دوستان یادوکاندارمحلّه چارهٔ روزگار را میکردند، درین طبقه ماموران صادق که رشوت نمیگرفتند، معلمین مکاتب، شاگران نجاری، آهنگری، سماوارها، کله پزیها، رنگامی وشاگردان دیگر اهل کسبه و مزدور کارها شامل بودند، که تعدادشان تقریباً به پنجاه درصد میرسید، ولی به این تفاوت که عاید ماهوار یک شاگردمستری یا کله پزی از معاش یک مامور صادق و یک معلم بیشتر بود !

تاجاییکه من با چشم سردیده ام، مامور صادق ومعلم بدترین زندگی را داشتند وهمواره با فقر وینوایی دست به گریبان بودند و این درحالی بود که حکومت مقدار پولی را که در راه قضیهٔ مضحک پشتونستان مصرف میکردند و معاش خان عبدالغفار خان وسایر خان های دوسرهٔ پشتون سرحدی میپرداختند، دو چند بودجهٔ معارف کشور در آن زمان بود. مردم فقیر ساکن در حومهٔ شهرها در ایام تابستان امکان داشتن اندکی سبزیجات ومیوه جات را داشتند، امارستان را به عسرت سپری میکردند، وباتوت یاتلخان امار حیات میکردند، و حاصلات حیوانات شان را که ناچیز بود میفروختند تا مایحتاج دیگر زندگی را فراهم کنند.

در نواحی شمال کشور تنها حکمرانان و خانها و ملکها و ناقلینی که زمینهای غصب شدهٔ مردم بومی به آنها داده شده بود، زندگی مرفهی داشته وتقرباً همه به شکلی از اشکال باشاه بابایی از اعضای خانوادهٔ اوارتباط داشتند. در مناطق مرکزی زندگی خیلی هارقتبار بود و در بعضی نواحی کشور مردم تنها نان جواری میخوردند ونان گندم در آن مناطق نایاب وغذای شاهی پنداشته میشد ! در مناطق جنوبی و شرقی معیشت مردم از این هم بدتر بود، تنها آنها یکه با خانوادهٔ شاه ارتباط داشتند به آرامی وعشرت زندگی میکردند، اما زندگی سایر مردم سخت دلخراش بود. اکثریت مطلق زنها و اطفال به سؤ تغذی دچار بودند و امراض توبرکلوز درین شان به وفرت دیده میشد، حتی نان جواری برایشان میسر نبود! آنان یک نوع نانی داشتند که از مشنگ ساخته میشد و تیکری نام داشت وبه اندازهٔ سخت بود که اگر مدتی در آب ترنمیشد، دندان رامی شکست. اینان از توت وتلخان هم بی نصیب بودند. نوع دیگر نان که در آن نواحی میسر بود در زمان که تلخ بود، مانند پارچه سنگی سخت بود و بیش از خوردن آن را مدتی در آب غوطه میکردند تا ملایم شود .

شادروان میر غلام محمد غبار نوشت: در مناطق جنوبی با مردمی برخورد م که گندم یاجواری را اول سوخته وبعد آرد کرده از آن نان میپزیدند. برای من مایهٔ تعجب بود که چرا چنین کاری میکنند، وقتی علت آنرا پرسیدم گفتند بخاطر ی که نان تلخ شود و اطفال زیاد خورده نتوانند !

این حالت مردم پشتونی بود که شاه وفامیلش خوانین آنان را بخاطر حفظ سلطنت در خانواده اش ناز و نعمت میدادند و این قوم برای آمال خویش آلهٔ دست ساخته و برای غارت وچاپاول ویی ناموسی مردم شمالی فرستادند، ایشان را بدنام تاریخ ساختند و دشمنی عمیق میان پشتونها و تاجیک ها انداختند که همه قصدی وعمدی به دستور انگلیسها بود . / (دنباله دارد)

فراش پاره ای گوشت بدست آورد و در یغلاوی (ظرف آهنی دسته دار که در آن چیزی بریان کنند) قلیه(نوعی خوراک از گوشت که در تابه بریان کنند) میخواست ساخت. به طلب حوائجی رفت. سگی سر در یغلاوی کرد و استخوان برگرفت، دهانش بسوخت سربه تعجیل بیرون آورد، حلقهٔ یغلاوی در گردنش افتاد ! میدوید ویغلاوی می برد. عمرو بخندید. موکلان که ملازم او بودند سوال کردند که موجب خنده چیست؟ گفت هم امروز با مداد خوالیگر (آشپز) م شکایت میکرد که مطبخ سیصدشتر به دشواری میبرند، زیادت می باید کردن، و شب هنگام مشاهده میکنم سگی به آسانی میبرد. نَعْمَن تشاء وتذل من تشاء بیدک الخیر انک علی کل شیئ قدیر.

اسماعیل سامانی حاجب راپیش عمرولیث فرستاد و او را استمالت داد که ان شاءالله تورا از خشم خلیفه خلاص کنم. عمرو بر اسماعیل آفرین کرد و گفت میدانم که مرا از خلیفه روی خلاص نخواهد بودند، اما امیر اسماعیل آنچه طریقهٔ مردی بود گفت. (صفحهٔ شش)